



توپخانه در دفاع مقدس

تحلیلی بر نقش رسته توپخانه نیروی زمینی
ارتش جمهوری اسلامی ایران

مؤلفان:

سرتیپ توپخانه ستاد ناصر آراسته

سرتیپ ۲ توپخانه ستاد مسعود بختیاری

سرشناسه	: آراسته، ناصر، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: توپخانه در دفاع مقدس: تحلیلی بر نقش رسته توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران/ مولفان ناصر آراسته، مسعود بختیاری؛ ویراستار نجاتعلی صادقی‌گویا؛ [برای] هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۴ ص.: مصور؛ ۱۹×۵/س.م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۹۶-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: تحلیلی بر نقش رسته توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
موضوع	: ایران. ارتش. توپخانه
موضوع	: ایران. ارتش. نیروی زمینی
موضوع	: توپخانه
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷
شناسه افزوده	: بختیاری، مسعود، ۱۳۲۰ -
شناسه افزوده	: ایران. ارتش. هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ت ۹/۱۰۷/UF
رده بندی دیویی	: ۴۱۰۹۵۵/۶۲۳
شماره کتبشناسی ملی	: ۲۹۹۲۴۱۸

مؤلفان: سر تیپ ستاد ناصر آراسته، سر تیپ ۲ ستاد مسعود بختیاری

ویراستار: سر تیپ ۲ توپخانه ستاد نجاتعلی صادقی‌گویا

حروف چینی / صفحه‌آرایی: محمود محمدی / حامد خدمتی

طرح جلد: حمید رضا خزاعی

نوبت / سال چاپ: اول/ ۱۳۹۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۹۶-۴

ناشر: تهران - انتشارات ایران سبز

شمارگان: ۲۰۰۰

مرکز پخش: تلفن ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر ۲۲۴۸۸۶۵۰ صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۶۷۶۵

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

«حق چاپ محفوظ است»

از همه نگارندگان حوادث جنگ و
همه کسانی که توان انجام وظیفه در این
مهم را دارند، درخواست می کنم از ثبت
و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند
و این گنجینه تمام نشدنی را برای
آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی (ره)

می خواهیم بگویم که این جنگ یک
گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این
گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال
جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست-آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده است و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنهٔ نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌شود.

سازمان افتخاری «هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳، با تصویب حضرت امام خامنه‌ای و بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند، به منطقه عملیات عزیمت و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت-

های تلخ و شیرین را گردآوری نماید و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار داده‌اند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمده و تا زمان نگارش این کتاب بیش از ۲۰ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار داده است.

هیئت معارف جنگ از سال ۱۳۸۸ آموزش کارکنان وظیفه ارتش در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را در ساعات فوق برنامه طی کرده‌اند که تا زمان چاپ این کتاب بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

فهرست مندرجات

۹	پیش‌گفتار
۱۱	بخش اول ورود جنگ‌افزار توپخانه در نیروی نظامی ایران
۲۳	بخش دوم وضعیت توپخانه نیروی زمینی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰
۳۱	بخش سوم ارزیابی کلی توپخانه صحرایی و پدافند هوایی نیروی زمینی قبل از انقلاب اسلامی
۳۳	بخش چهارم وضعیت یگانهای توپخانه قبل از آغاز جنگ
۳۹	بخش پنجم ارزیابی عملکرد توپخانه در اوایل جنگ
۴۳	بخش ششم پاره‌ای ابتکارات در کاربرد توپخانه خودی
۵۵	بخش هفتم توپخانه در جنگ
۶۱	بخش هشتم کاربرد توپخانه در عملیات نامنظم
۶۷	بخش نهم نکاتی از عملکرد توپخانه
۷۹	بخش دهم ارزیابی کلی عملکرد توپخانه دشمن
۸۳	بخش یازدهم نکاتی به آینده رسته توپخانه
۸۵	پیوست‌ها
۸۷	پیوست ت: (طرح پشتیبانی آتش) به طرح عملیاتی کربلا ۲ (عملیات فتح‌المبین)
۹۵	پیوست ث: (هوانیروز) به طرح عملیاتی کربلا ۲
۱۰۵	نمونه‌ای از تصاویر جنگ‌افزارهای توپخانه

پیشگفتار

رژیم سابق بعثی حاکم بر عراق، هنگامی طبل‌های جنگ تجاوزکارانه خود را علیه نظام نوپای ج ۱۰۱۰ به غرّش درآورد که نیروهای سه گانه ارتش از یک سو در حال گذار از ساختارهای نظام پیشین و تطبیق خود با آرمان‌های انقلاب اسلامی و دگرگونی‌های سازمانی و اجتماعی بودند و از سوی دیگر برقراری امنیت و آرامش در نقاط آشوب‌زده کشور را عهده‌دار بودند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به عنوان یک نیروی امنیت داخلی در ابتدای راه تشکیل این نهاد بود.

فضای حاکم بر ارتش در آن زمان، یک جو آرام و عادی و مساعد نظامی برای درگیری با دشمن خارجی محسوب نمی‌شد. اما همین ارتش علیرغم کوهی از مشکلات کمر شکن و فشارهای وارد بر آن، به مجرد آغاز تهاجم عراق به حریم سرزمین ایران اسلامی در زمین و هوا و دریا، شجاعانه و مردانه به مقابله دشمن شتافت و سرانجام پس از یک جنگ طولانی و فرسایشی و در شرائطی نابرابر از لحاظ تدارکات و مداومت لجستیکی نیروها و تجهیزات عمده به برکت برخورداری از پشتیبانی همه جانبه و ایثارگرانه ملت قهرمان و شهید پرور ایران اسلامی و زعامت یک رهبری الهی و سازش ناپذیر، توانست دشمن را از دستیابی به اهداف تجاوز کارانه خود محروم سازد.

واقعیت این است که در این جنگ طولانی و نابرابر هیچ یک از نیروهای سه گانه و رسته‌های گوناگون

ارتش جمهوری اسلامی ایران در طیف گسترده‌ای از وضعیت سازمانی، نیروی انسانی، تجهیزاتی، آموزشی، انضباطی و دکترین‌های تاکتیکی خود قرار نداشتند، یا به علل مختلف نمی‌توانستند قرار گیرند. لذا هم با نکات مثبت و منفی و هم نقاط قوت و ضعف، در اجرای مأموریت‌های محوله مواجه بودند که بررسی و پژوهش‌های بسیاری را طلب می‌کند.

بررسی و تحلیل علمی و بی‌طرفانه و فارغ از هرگونه تعصبات سازمانی در این مباحث، می‌تواند به کسب نتایج و تجارب ارزشمندی منجر گردد که هم انتقال دانش و تجربه حرفه‌ای به نسل جوان ارتش را بدنبال داشته باشد و هم زمینه‌ساز مناسبی برای تغییرات سازمانی و ساختاری در ارتش جمهوری اسلامی ایران باشد.

با عنایت به این مهم است که هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» بررسی و تحلیل عملکرد رسته‌های گوناگون در هشت سال دفاع مقدس را در دستور کار خود قرار داده و به عنوان اولین قدم، تحلیل رسته توپخانه را الگوی این هدف قرار داده است.

باشد که ضمن نقد عالمانه این تحلیل از سوی کارشناسان، این الگو بتواند سایر رسته‌ها را به اقدامی مشابه و آموزنده رهنمون سازد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

بخش اول^۱

تاریخچه کوتاهی از وارد شدن جنگ افزار توپخانه در نیروی نظامی ایران

مقدمه

در سال ۱۴۰۵ میلادی که هنوز چند سالی از ساخت باروت توسط چینی‌ها نگذشته بود شخصی از اهالی بوهام (بخشی از چک‌واسلواکی کنونی) به نام جان ریزکا (john ziska) با استفاده از باروت، یک جنگ‌افزار آتشین ساخت که سرانجام در گذر زمان، توپ نامیده شد و با این جنگ‌افزار بود که تحولی در تاکتیک به وجود آمد.

آشنایی ایرانیان با توپخانه و جنگ افزارهای آتشین

۱- آشنایی ایران با جنگ‌افزاری به نام توپ در دوم ماه رجب به سال ۹۱۴ ه. ق. (۲۳ اوت ۱۵۲۰ میلادی) و در میدان جنگ چالدران بین ایران و امپراطوری عثمانی برمی‌گردد که شلیک این جنگ‌افزارهای سر پر قشون عثمانی (۲۰۰ عراده) باعث بهت و ایجاد شکاف در نیروهای جنگ‌آور قزلباش شاه اسماعیل صفوی گردید و یکی از علل اساسی شکست ایران در این جنگ بود.

۱ - به منابع و مآخذ در صفحه ۲۰ مراجعه فرمایید

۲- شایان ذکر است که سابقه آشنایی ایرانیان با سلاح‌های گرم (تفنگ) به حدود سال‌های ۸۶۸ ه. ق. و مقارن سلطنت امیر جهانگیر و اوزون حسن آق قویونلو برمی‌گردد که آغاز روابط سیاسی- نظامی جمهوری و نیز با ایران بود و جمهوری و نیز در تلاش برآمده بود تا با عقد اتحادی با اوزون حسن آق قویونلو از فشار نظامی عثمانی بر اروپا و کلیسا بکاهد و اوزون حسن نیز در صدد بود تا سپاهیان خود را به شیوه سپاهیان اروپایی تربیت کند.

اگرچه از زمان آق قویونلوها کم کم پای جنگ‌افزار گرم به ایران باز شده بود و بعد از آن نیز با ورود دریانوردان پرتقالی به خلیج فارس، جزیره قشم به بازار فروش جنگ‌افزارهای آتشین مانند تفنگ و پیستوله‌های سر پر (سلاح کمری) تبدیل شده بود اما قزلباش‌ها (طوایف هفت‌گانه‌ی آذری زبان که هسته اصلی قشون صفوی‌ها بودند) جنگیدن با این جنگ‌افزارها را ناجوانمردی شمرده و با دید پستی به آن‌ها می‌نگریستند و جنگ با تیر و کمان و شمشیر و تبرزین و سپر را برتر می‌شمردند.

دوران صفویان در ایران (۹۰۷ - ۱۱۴۵ ه. ق. / ۸۸۰ - ۱۰۰۱ ه. ش) دوران اوج نیرومندی امپراطوری عظیم و پهن‌آور عثمانی در غرب ایران و همزمان با پیشروی سپاهیان این امپراطوری در اروپا بود و از این رو دولت‌های اروپایی و کلیسای رم همواره در اندیشه به هم انداختن دو

وارد شدن جنگ افزار توپخانه در نیروی نظامی ایران / ۱۳

دولت قدرتمند ایران و عثمانی بودند تا از پیشروی قشون عثمانی به سمت غرب جلوگیری نمایند، زیرا دلاوری‌های قشون کوچک ایران در جنگ چالدران با قوای عثمانی، توانمندی ایرانی‌ها در جنگ با این ابرقدرت نظامی زمان خود را برای اروپاییان به اثبات رسانیده بود.

ورود توپخانه در نیروی نظامی ایران و کاربرد آن

۱- هیئت ۲۵ نفره برادران شرلی که در زمان شاه عباس اول (۱۰۵۱ هـ . ق / ۱۰۲۰ هـ . ش) به ایران آمدند، به سازمان‌دهی نوین قوای نظامی ایران و تأسیس کارخانجات توپ ریزی (در اصفهان) پرداختند. (که تا سال ۱۲۲۴ هـ . ق. همچنان فعال بودند) به این ترتیب در زمان شاه عباس صفوی برای اولین بار توپ وارد سازمان قشون ایران گردید. توپخانه ایران در زمان شاه عباس، شامل ۵۰۰ عراده توپ و ۴۰۰۰ نفر خدمه بود که به آن‌ها توپچیلر می‌گفتند.

۲- در دوره نادری (۱۱۴۸-۱۱۶۳ هـ . ق / ۱۱۱۴ - ۱۱۲۸ هـ . ش) قشون ایرانی از چهار رسته تشکیل می‌شد که یکی از رسته‌ها به نام توپچیان و زنبورک‌چیان نامیده می‌شد.

نادرشاه به رسته توپخانه ارج فراوان می‌گذاشت و در آموزش آن‌ها از افسران اروپایی بهره می‌گرفت. ارتش

نادری دارای دو گونه توپ بود یکی توپ‌های گران‌وزن (سنگین) و دیگری توپ‌های سبک‌وزن (سبک).

توپ‌های گران‌وزن دارای لوله‌های بلند و کالیبر بزرگ بود که مخصوص نبرد در میادین رزم در دشت‌های وسیع و هموار بود ولی نادر به علت علاقه به سرعت و تحرک و غافلگیری در مانورهای خود در میادین جنگ، اغلب از توپ‌های سبک استفاده کرده و از آن‌ها به صورت اجرای آتش‌های انبوه (هم‌زمان) استفاده می‌کرد.

زنبورک توپ کوچکی بود که کالیبر آن اندکی از تفنگ‌های سر پر و دارای لوله‌های بلند آن زمان، بزرگ‌تر بود و آن را روی پایه آهنی مخصوصی که روی یک قنداق چوبی سوار شده بود روی جهاز شتران محکم می‌بستند و زنبورک‌چیان با شتر به سوی دشمن به تاخت می‌رفتند و چون به برد مناسب می‌رسیدند سریعاً شتر را خوابانیده و زنبورک را با آتش زدن فتیله آن آتش می‌کردند. برد گلوله‌های زنبورک کم و اثر آن ناچیز بود ولی صدای آتشباری آن در دل دشمن ایجاد رعب می‌کرد.

شایان ذکر است که پس از فتح هند، نادرشاه بزرگ‌ترین توپ هند را که به نام توپ مروارید مشهور است به عنوان یکی از غنائم جنگی به ایران حمل کرد که هم‌اکنون در ساختمان شماره ۷ وزارت امور خارجه (باشگاه سابق افسران) در خیابان سی‌ام تیر نگهداری می‌شود.

وارد شدن جنگ افزار توپخانه در نیروی نظامی ایران / ۱۵

۳- در دورهٔ زندیه (۱۱۶۳- ۱۲۰۰ هـ. ق / ۱۱۲۸ - ۱۱۶۴ هـ. ش) رستهٔ توپچی و توپخانه، دیگر آن رونق دوران صفوی و نادری را نداشت و بیشتر جنبهٔ تجمّل داشت تا یک وسیلهٔ نیرومند نظامی. کنت دوفریر، جهانگرد فرانسوی که در دوران زندیه سفری به ایران کرده است، در سفرنامهٔ خود می‌نویسد: پیاده نظام ایران خستگی‌ناپذیر، دلاور و قانع است ولی در قشون زندیه آن ارزشی را که توپخانه در جنگ‌های اروپایی دارد ناشناخته مانده است. شاید به این علت که نبودن راه‌ها و جاده‌های خوب و هموار و کوهستانی بودن سرزمین ایران، حمل‌ونقل توپخانه را دشوار و از چالاک‌ی و سرعت حرکت سپاهیان می‌کاهد. ولی به هر حال به جای توپ‌های بزرگ و سنگین از زنبورک استفاده می‌گردید. گلولهٔ زنبورک نیم پوند وزن داشت و برد آن حدود تفنگ‌های سر پر آن زمان بود.

۴- در دوران قاجارها و در زمان سلطنت آقامحمدخان (۱۲۰۰-۱۲۱۱ هـ. ق / ۱۱۶۴ - ۱۱۷۵ هـ. ش) رستهٔ توپخانه شامل ۲۵۰۰ نفر و توپ‌های آنان از نوع روسی و زنبورک بود.

در دوران سلطنت فتحعلیشاه قاجار صنعت توپ‌سازی تا حدودی در ایران کماکان فعال بود، ولی افکار و فعالیت‌های تجدیدطلبانه عباس میرزا ولیعهد برای نوسازی قشون ایران به کمک مستشاران فرانسوی به علل گوناگون داخلی و خارجی به نتیجهٔ مطلوب نرسید.

۵- در دوران ناصری تعداد نفرات توپچی ۲۰۰۰ نفر و تعداد نفرات زنبورکچی را ۲۰۰ نفر نوشته‌اند. میرزا تقی خان امیرکبیر صدراعظم روشن فکر و تجدد طلب ایران که در تلاش برای بنیان‌گذاری ارتش نوینی در ایران بود، کارخانه‌های تسلیحاتی مانند باروت‌سازی، توپ‌ریزی، اسلحه‌سازی و تهیه ساز و برگ نظامی را در شهرهای تهران، مشهد، تبریز و اصفهان دائر نمود و در مدرسه دارالفنون که در واقع سنگ بنای دانشکده افسری ایران در آن گذارده شد، آموزش توپخانه در برنامه آموزش قرار گرفت. در دوره محمدعلی شاه، دو آتشبار چهار توپه، کل توپخانه فعال قشون ایران بود که در بریگاد مرکزی قزاق سازماندهی شده بود. با همین توپخانه بود که توسط افسران روسی، مجلس شورای ملی (سابق) به توپ بسته شد. (۱۳۲۶ هـ. ق / ۱۲۸۶ هـ. ش)

لازم به توضیح است تا قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی برای یگان توپخانه بجای واژه آتشبار، کلمه باطری را به کار می‌بردند که همان اصطلاح BATTREY انگلیسی به گویش و نوشتار فارسی وقت بود.

اما از لحاظ تعداد توپ‌ها، بنا به گزارش یک خبرنگار روس بنام «مامونتوف» در این زمان تعداد زیادی توپ سر پر که بیشتر آن‌ها لوله‌های صاف و قدیمی داشتند در میدان توپخانه تهران چیده شده بودند. از جمله چند توپ

وارد شدن جنگ افزار توپخانه در نیروی نظامی ایران / ۱۷

برنزی سر پر که کاترین دوم امپراتور روسیه به ایران هدیه نموده بود.

تعدادی توپ برنزی اطریشی به نام آخاسیوس نیز در پارک توپخانه بودند. بنا به گزارش مامونتوف اکثر توپ‌های ایرانی به درد تیراندازی نمی‌خوردند و در قورخانه هم ۴۸ عراده توپ صحرایی و کوهستانی از نوع شنایدر، به شکل در هم بر هم و روی هم ریخته شده بودند.

۶- در دوران سلطنت احمد شاه قاجار (۱۳۲۷-۱۳۴۳ هـ. ق / ۱۲۸۷ - ۱۳۰۳ هـ. ش) علاوه بر بریگاد قزاق (تیپ) با تشکیل آتریاد (تقریباً معادل هنگ) دیویزیون (لشکر) قزاق^۱ سازمان‌دهی شد که آتریادها در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، مشهد، اردبیل، ارومیه و همدان استقرار یافتند. استعداد آتریاد عبارت بود از: یک فوج پیاده، یک فوج سواره، دوازده قبضه مسلسل از نوع شصت تیر و یک باطری (آتشبار) توپخانه کوهستانی یا صحرایی که توپ‌های آن از نوع روسی و مهمات آن‌ها بسیار محدود بود.

۱ - نیروی قزاق در ایران، پس از سفر دوم ناصر الدین شاه به اروپا و مشاهده سواره نظام قزاق روسیه که بسیار مورد توجه شاه قرار گرفته بود، بنا به درخواست وی و به تقلید از آن‌ها، توسط افسران روسی، در ایران تشکیل شده بود.

توپخانهٔ بریگاد مرکزی شامل ۴ عراده توپ شنیدر صحرایی ۷۵ م م و ۴ عراده توپ آخاسیوس صحرایی بود. (آخاسیوس توپ ساخت اتریش و هر یک دارای ۱۰۰ گلوله بودند).

۷- تشکیل ارتش نوین ایران

پس از کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹ شمسی، توسط رضا خان میر پنج، مجموع قوای رنگارنگ ایران حدود ۲۲۸۰۰ نفر و به شرح زیر بودند:

دیویزیون قزاق ۷۰۰۰ نفر

ژاندارمری دولتی ۱۲۰۰۰ نفر

بریگاد قزاق ۳۰۰۰ نفر

این قسمت‌ها به موجب حکم قشونی نمره ۱ مورخ ۳۰ دی ماه ۱۳۰۰ شمسی، هستهٔ اصلی نیروی زمینی نوین و متحدالشکل ایران را تشکیل دادند. تشکیلات جدید قشون زمینی ایران مرکب از پنج لشکر و یک ارکان حرب بود.

شایان ذکر است به موجب همین حکم، ریاست ارکان حرب قشون (رئیس ستاد) به سرتیپ امان‌الله میرزا جهانبانی فرماندهٔ توپخانه ایران سپرده شده و ضمناً چند واژهٔ نظامی نیز تغییر داده شد. از جمله:

دیویزیون به لشکر

بریگاد به تیپ

باطالیون به گردان

باطری به آتشبار

وارد شدن جنگ افزار توپخانه در نیروی نظامی ایران / ۱۹

لشکرهای پنجگانه فوق‌الذکر عبارت بودند از لشکر مرکز (تهران)، لشکر شمال غرب (تبریز)، لشکر شرق (مشهد)، لشکر غرب (همدان)، لشکر جنوب (اصفهان)، حداقل سازمان جدید لشکرها شامل دو تیپ پیاده، یک تیپ سوار و یک فوج توپخانه (توپخانه لشکر) بود. در توپخانه، گردان وجود نداشت و یگان جنگی آتشبار بود و فوج توپخانه لشکر از دو تا چهار آتشبار تشکیل می‌شد.

در سال ۱۳۰۵ در این سازمان تغییراتی به وجود آمد. از جمله لشکرهای شمال غرب و غرب منحل شد و تیپ‌های مستقل به وجود آمدند و یگان‌های توپخانه هم دچار تحولاتی شدند. مثلاً در لشکر مرکز، تیپ توپخانه و آموزشگاه گروهبانی توپخانه سازمان داده شد. حتی تیپ مستقل توپخانه مرکب از ۳ هنگ توپخانه کوهستانی تشکیل شد و این تغییرات در سازمان نیروی زمینی و یگان‌های توپخانه تا سال ۱۳۲۰ چندین بار انجام شد.

۸- استعداد توپخانه نیروی زمینی ایران در سال ۱۳۲۰

عبارت بود از:

حدود ۷۶ آتشبار توپخانه صحرائی، ۳ آتشبار ضد‌هوایی، ۲ آتشبار ۱۵۰م کرانه‌ای (گیلان) و یک آتشبار ۱۵۰م کرانه‌ای (در لشکر ۱ مرکز).

یک هنگ توپخانه مرکب از آتشبارهای ۱۰۵ بلند و ۱۵۰ کوتاه صحرائی و یک هنگ توپخانه ضد‌هوایی که در تیپ مستقل مکانیزه مرکز سازماندهی شده بود.

توپ‌های این دوره عمدتاً از نوع اشکودا (چک اسلواکی) و بوفورس (سوئدی) بودند.

۹- پس از پایان جنگ دوم بین‌المللی، ارتش ایران که تقریباً از هم پاشیده شده بود مجدداً سازماندهی شد و تا کودتای سال ۱۳۳۲ و فعال شدن سیاست‌های نظامی و سیاسی آمریکا در ایران، تغییر خاصی در توپخانه نیروی زمینی قابل ملاحظه نیست ولی بعد از سال ۱۳۳۲ و اجرای برنامه کمک‌های نظامی آمریکا به ایران، توپ‌های آمریکایی مانند ۱۰۵ مم و ۱۵۵ مم و ۲۰۳ مم کششی وارد سازمان نیروی زمینی شدند و مرکز آموزش توپخانه در اصفهان فعال گردید.

توپخانه پدافند هوایی از سال ۱۳۱۴ تشکیل شد و چندین مرتبه بین نیروی زمینی و نیروی هوایی جابه‌جا شد. اما پدافند هوایی تکامل یافته، از سال ۱۳۳۶ پایه گذاری شد و اعزام نفرات به انگلستان و آمریکا برای طی دوره‌های آموزشی و سایت‌سازی (ساخت تأسیسات سایت‌های رادار و موشک‌های پدافند هوایی) از این سال آغاز گردید. در عرض ۱۲ سال، یعنی تا سال ۱۳۴۸ اقدامات اولیه و زیرسازی‌ها انجام شد. البته پدافند هوایی در ارتش عمدتاً هواپایه بود و به نیروی هوایی متکی بود و نیروی زمینی برای پدافند هوایی از خود در واقع فقط همان تیربار کالیبر ۵۰ را در اختیار داشت که در دهه ۴۰ با خرید توپ‌های ۲۳ مم دو لوله و چهار لوله شیلیکا و

وارد شدن جنگ افزار توپخانه در نیروی نظامی ایران / ۲۱

توپ‌های ۵۷ م م از روسیه، توپخانه نیروی زمینی هم دارای توپخانه پدافند هوایی کاراتری گردید. آموزش توپ‌های شلیکا علیرغم اعزام پرسنل و خدمه به روسیه به کارآمدی لازم نرسید. زیرا اغلب خدمه آن فاقد زمینه‌های معلوماتی لازم برای دریافت آموزش‌های فنی آن بودند و لذا عملیاتی بودن گردانهای شلیکا به مفهوم واقعی، مورد تردید بود.

منابع و مأخذ بخش یکم

- ۱- علی بابایی، غلامرضا؛ تاریخ ارتش ایران، نشر آریان-۱۳۸۲
- ۲- یکرنگیان، میرحسین؛ سرتیپ، سیری در تاریخ ارتش ایران، نشر خجسته-۱۳۸۴
- ۳- مدنی، سید جلال‌الدین؛ تاریخ معاصر ایران، جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی-۱۳۶۱

بخش دوم

بررسی وضعیت توپخانه نیروی زمینی

در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ و نیمه اول دهه ۱۳۵۰

دهه ۴۰ دوره تحول در یگان‌های توپخانه نیروی زمینی از نظر تجهیزات و سازمان یگان‌ها بوده است. انحلال، ادغام و تشکیل یگان‌های جدید و جابه‌جایی‌های یگان‌های توپخانه همراه با انحلال سازمان و گسترش قبلی یا تشکیل و تجهیز سازمان‌ها و لشکرهای جدید بود.

همزمان به روز کردن توپخانه نیز انجام گرفت که بخدمت گرفتن توپ‌های ۱۵۵ مم خود کششی در لشکرهای زرهی - ورود توپ‌های ۱۳۰ مم و موشک‌اندازهای ۱۲۲ مم کاتیوشا (روسی) و طرح استفاده از خمپاره‌اندازهای ۱۲۰ مم و ۱۶۰ مم تامپلا در توپخانه^۱ و اجرای یک دوره آموزش آن در مرکز توپخانه، افزایش تحرک یگان‌های توپخانه ۲۰۳ مم کششی با خودروهای غول پیکر و نیرومند ریوی ۱۰ تن بجای تراکتورهای

۱ - یک گردان توپخانه با خمپاره‌اندازهای ۱۲۰ مم در تیپ هوابرد جایگزین گردان توپخانه ۱۰۵ مم گردید ولی از خمپاره‌انداز ۱۲۰ مم برای تقویت آتش گردان‌های پیاده، به صورت نصب شده روی نفر برهای سازمانی اختصاص داده شد. از خمپاره‌انداز ۱۶۰ مم فقط یک گردان سازمان داده شد که بعداً منحل و از رده خارج گردید.

قدیمی M۱۳ و خودروهای ریو ۵ تن برای کشتش توپ‌های ۱۵۵ مم کشتی و کامیون‌های ۲/۵ تن ریو برای کشتش توپ‌های ۱۰۵ مم از این جمله بودند

همگام با این تغییرات، آموزش توپخانه، در مرکز آموزش توپخانه نیز جهش پیدا کرد. اگر چه تا اواخر دهه ۴۰ هنوز افسران زیادی بخصوص از افسران جوان برای طی دوره‌های مقدماتی و عالی رسته‌ای یا دوره‌های تخصصی دیگر مانند نقشه برداری و هواشناسی به فورت سیل، (مرکز آموزش توپخانه ارتش آمریکا) اعزام می‌شدند اما در واقع مرکز آموزش توپخانه نیروی زمینی ایران چیزی از فورت سیل آمریکا کمتر نداشت.

استادان بسیار توانمندی بخصوص در بخش‌های آموزشی قوانین تیر و دیدبانی، انتخاب و اشغال موضع، نقشه‌برداری، جنگ افزار، موتوری و از مرکز توپخانه اصفهان سیمای یک مرکز آموزش جدی و با بهره‌ر را ارائه می‌کردند. مدارک آموزش‌ها از نظر محتوایی عیناً ترجمه مدارک آموزشی آمریکا بودند و تقریباً تفاوتی با آموزش در مرکز آموزش توپخانه آمریکا نداشتند. البته بدیهی است که بهره‌وری از آموزش‌ها به تلاش و علاقه آموزشی دانشجویان و اساتید نیز بستگی زیادی داشت. می‌توان گفت از این بابت وضعیت مطلوب بود.

از سوی دیگر رسته توپخانه و افسران این رسته دارای اعتبار و وجهه نسبتاً متمایزی نسبت به سایر رسته‌ها بودند

و این عمدتاً به نقش افسران توپخانه در طرح ریزی کلی رزمایش‌ها و اجرای آتش‌های انبوه و دقیق بعنوان آتش تهیه و آتش‌های در حین نبرد بود که اولاً به رزمایش‌ها حالتی رزمی و هیجانی می‌داد و ثانیاً پاره‌ای نقائص از جمله یک‌نواختی سناریوها را می‌پوشاند). شاید هم این امر از پیش‌ترها هم وجود داشت؛ به هر حال معمولاً بسیاری از دانشجویان فارغ‌التحصیل ممتاز دانشکده افسری در تقدم انتخاب رسته خود، رسته توپخانه را قرار می‌دادند.

تشکیل دوره های عرضی آموزشی متعدد رسته توپخانه مانند دوره های کوتاه مدت آتشبار تیر، نقشه برداری، قوانین تیر، موتوری و هواسنجی، در مرکز توپخانه اصفهان برای افسران و درجه‌داران، در ارتقاء آموزش‌های آنان نقش مؤثری داشت.

به عنوان یک واقعیت، آموزش مطلوب یگان‌های توپخانه مدیون تلاش فرماندهان آتشبار، گردان و توپخانه لشگری بود که در تمامی رده‌ها با جدیت و سخت‌گیری بسیار زیادی پیگیری می‌شد. رقابت آموزشی یگان‌های توپخانه، سطح آموزش، نگهداری و آمادگی رزمی را ارتقاء می‌دادند.

در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ نیروی زمینی به تشکیل ۵ گروه توپخانه در شهرهای مراغه، تهران، اصفهان و شهرضا اقدام کرد که هر یک از این گروه‌ها دارای ۵ تا ۸ گردان توپخانه از انواع کالیبر (به استثنای ۱۰۵م) بودند.

به این ترتیب تعداد گردان‌های توپخانه صحرایی نیروی زمینی به حدود ۵۷ تا ۵۸ گردان و ۲۰ گردان توپخانه پدافند هوایی ۲۳ م دو لوله‌ای و شلیکا (۲۳ م چهار لوله‌ای با رادار) و ۵۷ م (توپ ضد هوایی دو لوله‌ای روی خودروی شنی دار برای لشکرهای زرهی) شامل شد.

در اوایل دهه پنجاه مدرن‌ترین جنگ‌افزارهای توپخانه روز آمریکا یعنی هویتزر ۲۰۳ م و توپ ۱۷۵ م خودکشی به خدمت توپخانه صحرایی ارتش در آمدند که در گروه‌های توپخانه سازماندهی شدند (یک گردان ۲۰۳ م خ ک در گروه ۱۱ مراغه و ۳ گردان ۱۷۵ م در گروه‌های ۳۳ تهران، ۱۱ مراغه و ۲۲ شهرضا). البته ناگفته نماند که گذشته از مشکلات ناشی از تکنولوژی پیشرفته خود که دردسرهایی را در تعمیر و نگهداری آنها ایجاد می‌کرد، اما به شدت بر ابهت و قدرت آتش توپخانه و به روز بودن تجهیزات توپخانه نیروی زمینی می‌افزودند. در کنار این جنگ‌افزارهای مدرن آمریکائی، ورود توپهای ۱۳۰ م روسی با برد حدود سی کیلومتر و در عین حال با فن‌آوری ساده خود و هم‌چنین موشک اندازهای ۱۲۲ م (کاتیوشا چهل لوله‌ای محمول روی خودرو) با برد نسبتاً بلند خود، قدرت و حجم آتش چشمگیری را به وجود آوردند. این جنگ‌افزارها نیز ابتدا به صورت گردانی در گروه‌های توپخانه سازمان داده شده بودند.

وضعیت توپخانه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ / ۲۷

البته در کنار این تجهیزات مدرن، ورود خودرو ها و کامیونهای روسی برای کارهای خدماتی یگان های توپخانه با تکنولوژی قدیمی که داشتند ایجاد مشکلات تحرک می‌کرد که به هر حال با همت و تلاش فرماندهان وسخت کوشی رده‌های تعمیراتی و و بازدید های مستمر مسئولین ذیربط تا حد اکثر ممکن رفع می شد.

گروه‌های پنجگانه توپخانه نیروی زمینی، در واقع توپخانه عمل کلی نیروی زمینی محسوب می‌شدند که در حوزه عمل، اغلب گردان‌های این گروه‌ها در تقویت توپخانه‌های لشکری قرار داده می‌شدند. در واقع مأموریت‌های عمل کلی تقویت و یا تقویت آتش توپخانه های لشکر، به آن‌ها داده می‌شد. ولی نظر به این‌که از نظر سازمانی گروه‌های توپخانه مستیقا در تابعیت فرماندهی نیروی زمینی بودند، توپخانه عمل کلی محسوب می‌گردیدند.

آمایش سرزمینی و پادگانی گروه های پنجگانه فوق عبارت بودند از گروه ۱۱ در مراغه-گروه ۲۲ در شهرضا - گروه ۳۳ در تهران - گروه‌های ۴۴ و ۵۵ در اصفهان.

مستشاران آمریکایی اعم از افسران یا تعمیر کاران در یگان های توپخانه کمتر حضور و مداخله‌ای داشتند و فقط گاهی به بازدیدهای تعمیراتی و توصیه‌های نگهداری

به خصوص در مورد جنگ افزارهای جدید اکتفا می کردند. هم چنین تعداد معدودی از افسران توپخانه برای طی دوره های آموزشی جنگ افزارهای پدافند هوایی ۳۳ م شلیکا و توپ ۵۷م به شوروی (سابق) اعزام شدند و معدودی مستشار روسی هم برای آموزش توپخانه های روسی به ایران آمدند.

تعمیرات اساسی (اورهال) جنگ افزارهای توپخانه روسی در کارخانجات بابک (زیر مجموعه مدیریت تعمیر و نگهداری نیروی زمینی) انجام می شد که دستگاه های لازم خریداری و نصب گردیده بود.

یکی از طرح های توسعه نیروی زمینی قبل از انقلاب، ساخت توپ های جدید و خودکشی در ایران بود که قرارداد تأسیس کارخانجات آن در منطقه چابهار توسط وزیر جنگ وقت با پیمانکاران آمریکائی به امضاء رسیده و به نام پروژه F.M.C نامگذاری گردیده بود.

پس از انقلاب اسلامی اجرای این قرارداد متوقف شد که از دعاوی مطروحه ایران در دیوان داوری لاهه (هلند) باقی مانده است، زیرا دولت جمهوری اسلامی ایران انصراف خود را از پروژه مزبور رسماً و کتبا به پیمانکار طرف قرارداد اعلام ننموده است.^۱

۱- اظهارات سرهنگ غلامرضائی نماینده حقوقی وزارت دفاع در دیوان داوری لاهه.

وضعیت توپخانه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ / ۲۹

وضعیت توپخانه صحرایی نیروی زمینی در ابتدای سال ۱۳۵۷ عبارت بود از:

- استعداد: ۵۸ گردان توپخانه صحرایی با کالیبرهای مختلف و ۲۱ گردان پدافند هوایی^۱

- سازمان: یگان‌های توپخانه بصورت آتشبار، گردان (مستقل یا تابع توپخانه‌های لشگری)، توپخانه لشگری و گروه‌های توپخانه سازمان داده شده بودند که از نظر اجرای مأموریت‌های ذاتی توپخانه و قابلیت انعطاف، سازمان‌دهی مناسبی بوده است. (تعداد قبضه‌های توپ در هر آتشبار در گردان‌های ۱۰۵ مم و بعضی کالیبرها ۶ قبضه و بقیه کالیبرها ۴ قبضه بودند)

سازماندهی پرسنلی و تجهیزاتی (جدول سازمان و تجهیزات): یگان‌های توپخانه تقریباً الگو برداری شده از یگان‌های مشابه آمریکایی خود بود، البته اشکالاتی در مورد چگونگی حمل مهمات بار مبنای یگان‌ها وجود داشت که ناشی از کمبودهای خودروئی در ارکان گردان (یا وجود بارهای اضافی غیر سازمانی در خودروها) بود و یا وجود

۲- الف: ۱۴ گردان ۱۰۵ مم ک، ۵ گردان ۱۵۵ مم کششی، ۱۷ گردان ۱۵۵ خ ک، ۸ گردان ۱۳۰ مم، ۵ گردان ۲۰۳ مم ک، یک گردان ۲۰۳ خ ک، ۳ گردان ۱۷۵ خ ک، ۵ گردان ۱۲۲ مم کاتیوشا

ب: پدافند هوایی ۱۵ گردان ۲۳ مم دو لوله - ۳ گردان و یک آتشبار ۲۳ مم چهار لوله (شلیکا) - ۳ گردان ۵۷ مم - یک آتشبار اورلیکن

خودروهای روسی با فن‌آوری ضعیف و مشکلات تعمیر و نگهداری آنها بود که جایگزین بخشی از خودروهای آمریکایی شده بودند.

دکترین توپخانه نیروی زمینی (مأموریت‌های ذاتی توپخانه)، طبق آئین نامه‌ها و آموزش‌های تاکتیکی، شامل مأموریت‌های کمک مستقیم، تقویت، عمل کلی تقویت، عمل کلی برای یگانهای پشتیبانی شونده می‌شود که غالباً گردان‌های ۱۰۵ و ۱۵۵ مأموریت کمک مستقیم و دیگر کالیبرها مأموریت‌های دیگر را به عهده داشتند. دکترین مزبور آموزه‌ای مناسب و دارای قابلیت انعطاف عملیاتی برای تمرکز آتش در زمان و منطقه مورد نظر است.

بخش سوم

ارزیابی کلی توپخانه صحرایی و پدافند هوایی نیروی زمینی قبل از انقلاب اسلامی

توپخانه نیروی زمینی در آن زمان با توجه به مرزهای طولانی با همسایگان (به ویژه عراق) و برای یک جبهه وسیع، از نظر استعداد کلی یگان‌های توپخانه، کافی به نظر نمی‌رسید. دکترین آن زمان تقویت آتش توپخانه با آتش هوایی و هوانیروز بود تا این کمبود جبران شود. بخصوص بالگردهای کبرا که به عنوان یک توپخانه متحرک هوایی، دارای اسم و رسم بسیار بودند.

در مورد اجرای آتش ضد آتشبار هم به جای اتکا به فن‌آوری‌های نو و تجهیزات راداری برای هدفیابی، هنوز روش اندازه‌گیری‌گرا در قیف انفجاری دنبال می‌شد که جواب مطلوب و کارآمدی را به بار نمی‌آورد.

توپخانه پدافند هوایی نیروی زمینی شامل گردان‌های ۲۳ مم دو لوله‌ای و چهار لوله‌ای و ۵۷ مم و موشک‌های سه‌پند^۳ در لشگرها و گروه‌های توپخانه بودند که مسئولیت پدافند هوایی ارتفاع پست را برای لشگرها برعهده داشتند. ولی طبعا قادر نبودند مأموریت‌های پدافند هوایی را برای نیروی زمینی صحنه که شامل مناطق عقب قرارگاه‌های

عملیاتی (سپاه) می‌شد فراهم کنند. با توجه به این امر بود که قبل از انقلاب، توپ‌های پدافند هوایی اورلیکن و اسکای گارد (اورلیکن با رادار) خریداری شده و در شرف تحویل به ایران بودند که به‌استثنای یک آتشبار آموزشی اورلیکن که در اصفهان تشکیل شده بود، تحویل این جنگ‌افزارها به ایران با پیروزی انقلاب تحقق نیافت و پدافند هوایی نیروی هوایی در ۸ سال دفاع مقدس عملاً این مأموریت را بر دوش داشت. تعدادی از یگان‌های پدافند هوایی نیروی زمینی هم در جنگ، در بسیاری موارد برای جبران کمبودها، در تقدم یکم در پدافند از تأسیسات حیاتی کشور شرکت کردند و پدافند هوایی از منطقه و یگانهای لشکر در تقدم بعدی قرار داده شد.

بخش چهارم

وضعیت یگان‌های توپخانه قبل از آغاز جنگ

در سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب و بویژه پس از برقراری فرمانداری نظامی در شهرهای مختلف کشور، تعدادی از گردان‌های توپخانه، طبق دستور، وارد مأموریت فرمانداری نظامی شده و لاجرم آموزش و نگهداری در آنها متوقف گردید، و انضباط نیز کاهش یافت. لذا پس از پیروزی انقلاب، طبعاً دچار آثار و تبعات و پس لرزه‌های ناشی از انقلاب شکوهمند اسلامی شدند. مانند کسر خدمت افراد وظیفه و نقل و انتقالات و یا رهائی از خدمت‌های بی رویه کارکنان پایور. اما در مقام مقایسه، چنین آثار سوئی به خاطر وجود انضباط نسبی در یگان‌های توپخانه، و وجود افسران دلسوز انقلابی، و درگیری کمتر این یگان‌ها در فرمانداری نظامی، ضعیف‌تر از یگان‌های پیاده و زرهی بود. آثار تندروی و حرکات افراطی گروهک‌ها و افراد ناآگاه در یگان‌های توپخانه کم‌رنگ‌تر از سایر یگان‌ها دیده شد. البته تعدادی افسران جوان توپخانه هم که گرایش انقلابی و مذهبی شدیدتری داشتند اکثراً در مرکز آموزشی توپخانه اصفهان بودند - که شهری با یک محیط مذهبی و انقلابی بود - . هم‌چنین این افسران، حفظ این مرکز مهم علمی فرهنگی توپخانه و بعد

ساماندهی یگان‌های توپخانه و اداره و فرماندهی و مدیریت سایر یگان‌های ارتش انقلاب را عهده‌دار شدند.

با شروع درگیری‌ها و بحران داخلی مسلحانه در شمال غرب کشور، یگان‌های توپخانه (عمدتاً از گروه ۱۱ و توپخانه‌های لشگرهای سرزمینی این منطقه) به صورت یگان پیاده (بدون توپ) مأموریت پاکسازی و برقراری تأمین و امنیت در پاسگاه‌ها و جاده‌های مواصلاتی را عهده دار شدند (در حد مأموریت رزمی مانند پیاده نظام) و بدین لحاظ به طور کلی یگان‌های توپخانه در دوران حدود دو ساله قبل از جنگ، دچار افت آمادگی رزمی و کاهش سطح انضباط، پرسنل، لجستیک، حاضر به کاری تجهیزات و ... شده؛ و از طبقه یکم و دوم به طبقات ۳ و ۴ آمادگی رزمی فرو افتادند.

در طول درگیری‌های مرزی عراق و ایران و قبل از آغاز تهاجم عمومی عراق، اغلب یگان‌های مانوری نیروی زمینی، حسب دستورات ابلاغی به صورت تجزیه شده، در پشتیبانی از پاسگاه‌های ژاندارمری در مناطق مرزی غرب کشور گسترش یافته و انسجام سازمانی و عملیاتی خود را از دست دادند. توپخانه نیز از این امر بی نصیب نماند و یگان‌های توپخانه نیز در همین راستا حتی تا یک توپ و دو توپ هم تجزیه شدند و قدرت اجرای

وضعیت یگان‌های توپخانه قبل از آغاز جنگ / ۳۵

آتش انبوه را که مأموریت اصلی توپخانه در رزم است از دست دادند.

ناگفته نماند نظر به این که یگان‌های توپخانه به نسبت یگان‌های پیاده و رزمی کمتر در مأموریت فرمانداری نظامی شرکت داشتند، آثار سوء شرکت در این مأموریت را کمتر متحمل شده بودند. (اساساً بعد از پیروزی انقلاب به نظر می‌رسد یگان‌های توپخانه نسبت به سایر یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی از فرماندهی و کنترل بهتر و فرماندهان با بینش سیاسی و عمومی تواناتری در تمامی رده‌ها سود می‌بردند). وجهه مردمی و پذیرش آنان در افکار عمومی بیشتر از یگان‌های پیاده و زرهی بود که ملزم به حضور در فرمانداری نظامی شده بودند.

در درگیری‌های مرزی و هجوم عراق در روزهای ۲۲، ۲۶ و ۳۱ شهریورماه تعدادی از یگان‌های توپخانه در توسعه درگیری‌های مرزی به غنیمت دشمن درآمدند، که عبارت بودند از یک آتشبار ۱۵۵ خودکشی در نفت شهر - یک آتشبار ۲۰۳ مم کششی، یک آتشبار ۱۳۰ مم و یک آتشبار ۱۵۵ مم خودکشی در دشت ذهاب در حوالی سر پل ذهاب و همین طور یک گردان منهای ۱۵۵ مم در حوالی قصر شیرین. این که چرا این یگان‌ها در مناطق مرزی

کرمانشاه دچار این وضعیت شدند، می‌تواند موضوع جالبی برای تحلیل و بحث و بررسی باشد، شاید علت این امر را بتوان به عدم حضور یگان‌های مانوری در جلوی آنها و ضعف فرماندهی و کنترل، فقدان اطلاعات درست از وضعیت دشمن و یا بطور کلی اغتشاش وضعیت عمومی در این جبهه نسبت داد.

در تحلیل این وضعیت در این دوران (از آغاز درگیری‌های مرزی در سال ۵۸ تا آغاز جنگ در نیمه دوم سال ۵۹) باید گفت که یگان‌های توپخانه در تجزیه شدن‌ها و ضعف سیستم فرماندهی و کنترل خود مقصر نبودند و در واقع ناشی از طرح نامناسب گسترش یگان‌های زمینی بود که ریشه در تفکری داشت که معتقد بود، جنگ در محدوده پاسگاه‌های مرزی باقی مانده و گسترش نخواهد داشت و تقویت پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری، و اکتفا به جوابگویی به تجاوزات عراق در مرزها، در حقیقت راهبرد عملیاتی نیروهای مسلح ایران بشمار می‌آمد که ناشی از عدم باور به وقوع یک جنگ تمام عیار بود.

نکته دیگر در مورد توپخانه‌ها در آغاز جنگ تحمیلی: نیروهای مدافع مستقر در قصر شیرین و توپخانه پشتیبان

وضعیت یگان‌های توپخانه قبل از آغاز جنگ / ۳۷

آنها از طریق محور باویسی، بیشگان، سرپل ذهاب و همچنین محور بابا هادی، سرپل ذهاب دور خوردند و عقبه آنها در محور قصر شیرین - سرپل ذهاب بسته شد، بنابراین امکان عقب کشیدن آنها میسر نشد و به دست دشمن افتاد.

بخش پنجم

ارزیابی عملکرد توپخانه در اوایل جنگ

الف- در ورود به جنگ و حرکت به مناطق عملیاتی، یگان‌های توپخانه بهتر و سریعتر از سایر یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی بودند. اما توپخانه‌ها هم کم و بیش با مسائل زیر، دست به گریبان بودند:

۱- درهم ریختگی نیروی انسانی

۲- مشکلات نگهداری و تعمیر تجهیزات و خودروها که به نوعی ناشی از کسری قطعات و مسائل نیروی انسانی بود.

۳- عدم کفایت نسبی آموزش‌های تخصصی به‌خاطر دو سال عدم اجرای آموزش یگانی، عدم اجرای آزمایش آتشبار و گردان و ... (در اکثر یگان‌های توپخانه).

۴- درگیری پاره‌ای از گردان‌های توپخانه در شمال غرب و غرب کشور به‌منظور برقراری امنیت

۵- گسترش‌های نامناسب تعدادی از یگان‌های توپخانه در مناطق مرزی

ب- یگان‌های توپخانه با آغاز تعرض عمومی عراق چه آنهایی که قبلاً و اکثراً در مناطق مرزی گسترش یافته بودند و چه یگان‌هایی که بعد و به سرعت وارد مناطق

عملیاتی شدند، حداکثر تلاش خود را با اجرای آتش‌های شدید و مداوم، به صورت شبانه روزی بمنظور متوقف کردن دشمن به کار گرفتند. از این حیث انصافاً نقش اساسی را در کند کردن و متوقف کردن دشمن در کنار فعالیت‌های هوانیروز و نیروی هوایی بکار بردند که تلاش این دو یگان بسیار چشمگیر و مؤثر بود اما آنها طبعاً نمی‌توانستند حجم و آتش مداومی را که توپخانه‌ها می‌توانستند بر دشمن فرو بارند دارا باشند.

پ- در آغاز جنگ، کمبود عمومی یگان‌های توپخانه با توجه به عرض تقریبی ۱۰۰۰ کیلومتری جبهه، آشکار شده و اقداماتی در جهت رفع کمبودها متناسب با مقدرات موجود به‌عمل آمد. مانند تشکیل آتشبار و گردان از آتشبارهای ۱۰۵ مم که تعدادی از رده خارج شده و در مراکز آمادی نگهداری می‌شدند و شش توپه کردن آتشبارهای ۱۰۵ مم (که تعدادی چهار توپه بودند). شایان ذکر است که علاوه بر کمبود نسبی یگان، برد یگان‌های ۱۰۵ مم و ۱۵۵ مم هم برای تهدید عقبه دشمن یا آتش‌های ضد آتشبار تقریباً کوتاه به نظر می‌رسیدند.

ت- در ماه‌های اولیه جنگ، توپخانه‌ها با یگان‌های پیاده و زرهی (یگان‌های پشتیبانی شونده) و همچنین با هوانیروز و نیروی هوایی، آن روابط و همکاری و هم‌آهنگی‌های آئین‌نامه‌ای عملیات مشترک را با هم

نداشتند. غالباً توپخانه‌ها به طور مستقل در مناطق اختصاص یافته به یگان‌های مانوری، هدف‌یابی و اقدام به اجرای آتش تخریبی و انهدام دشمن می‌کردند. لذا استفاده از آتش توپخانه (توسط افسران دیده‌بان) برای زدن هدف‌های نقطه‌ای، تیر ضد آتشبار یا شکار تانک که در واقع اجرای تیر دقیق تخریب، به جای آتش انبوه توپخانه بود بکار گرفته می‌شد و می‌توان گفت که اسراف در مصرف مهمات به دلیل فوق از تبعات آن بود. همچنین گاهی شکلی از تبادل آتش توپخانه خودی و دشمن به شکل (از صبح تا ظهر و از عصر تا غروب) به صورت فعالیت عادی روزانه در جبهه در می‌آمد و آتش‌های ایزدایی با هدف‌های اغلب تکراری و نه بر مبنای اطلاعات و دقیق، اجرا می‌شد. البته در پشتیبانی از آفنده‌های محدود، نیروهای خودی و یا پدافند در مقابل پاتک و حملات متقابل دشمن، توپخانه‌ها بسیار فعال و مؤثر عمل می‌کردند.

به طور کلی می‌توان اشکالاتی را به شرح زیر در اوایل جنگ در یگان‌های توپخانه برشمرد:

الف: عدم استفاده صحیح از افسران رابط در یگان‌های پشتیبانی شونده.

ب: مشکلات عمومی دیدبانی (آموزشی) و کسری افسران دیدبان یگان‌ها

پ: اجرای آتش‌ها به صورت تیر منطقه به صورت یک روش متداول و استفاده کمتر از سایر تکنیک‌های توپخانه، مانند ثبت تیر، تیر زمانی بالا، نقشه‌برداری و

ت: ناباوری تعدادی گرچه محدود از افسران جوان توپخانه به خصوص در رده آتشبار و حتی گردان به آموزش‌ها و دکترین‌های تاکتیکی توپخانه و باور به این که آموزش‌های مزبور آمریکایی است و در شرائط بومی ایران کارآمدی لازم را ندارد. خلاصه این‌که در مواردی آموزش‌های تخصصی و کاربردی مورد غفلت قرار می‌گرفت.

بخش ششم

پاره‌ای ابتکارات در کاربرد توپخانه خودی در توقف و

تثبیت متجاوز

۱- تلاش برای صرفه جوئی در مصرف مهمات، اندکی پس از ماه‌های اولیه جنگ و متوقف نمودن دشمن آغاز شد و اضافه کردن آنها بر مهمات بار مبنای همراه، بصورت غیر رسمی متداول گردید، تا برای وضعیت‌هایی که مصرف بیشتری مورد نیاز بود، کمبودی پیش نیاید. زیرا تدارک آنها ممکن بود به‌علل مختلف با تأخیر توأم شود.

۲- به کارگیری مجدد هویتزرهای ۱۰۵ مم که قبلاً به علل مختلف از رده خارج شده بودند. سازمان دادن آنها به صورت آتشبارهای ۶ توپه برای افزایش بیشتر آتش توپخانه نیروی زمینی که توسط افسر توپخانه قرارگاه مقدم نزاجا در جنوب پیشنهاد و به مرحله اجرا در آمد، اقدام بسیار مؤثر و مبتکرانه‌ای بود. به خصوص که این جنگ افزارها تقریباً محدودیت مهمات نداشتند و تیراندازی‌های مداوم با آنها هم، خستگی و فرسودگی کمتری را برای نفرات سبب می‌گردید.

۳- دو قبضه هویتزر ۲۰۳ م م کشتی از توپخانه لشکر ۲۱ پیاده در ماه‌های اولیه جنگ از مواضع خود در شرق رودخانه کرخه کاملاً با رعایت تأمین و اختفای کامل در تاریکی نیمه‌های شب با عبور از پل نادری به غرب رودخانه و به مواضع خط مقدم تیپ یکم لشکر مزبور تغییر مکان داده شد که این تغییر موضع حداقل ۱۰ کیلومتر بر برد توپخانه مزبور افزود و در نتیجه عقبه دشمن را در منطقه عمومی غرب کرخه زیر آتش سنگین خود قرار داد.

برای به حداقل رساندن آسیب پذیری جنگ‌افزارهای یاد شده در برابر آتش ضد آتشبار دشمن، آنها کاملاً در سنگرهای از قبل آماده شده در خاکریز خط مقدم مستقر شده و در وضعیت تیراندازی قائم مورد استفاده قرار گرفتند که در زمان خود اقدام مؤثر و برجسته ای بود که تا عملیات فتح المبین ادامه یافت. بعدها بعضی فرماندهان این اقدام را الگو قرار داده و آن را یک تاکتیک توپخانه تلقی کرده و گاهی به گردان توپخانه دستور می دادند که در خاکریز مقدم و در کنار مواضع یگان‌های پیاده اشغال موضع نمایند که البته آسیب پذیری آنها را بسیار بالا می‌برد و علاوه بر آن سبب می‌گردید که آتش ضد آتشبار دشمن، یگان‌های پیاده در خط را دچار تلفات و خسارت بیشتری کند. تلاش گردید فرماندهان متقاعد شوند که جز در مواقع اضطراری از این اقدام چشم‌پوشی نمایند.

۴ - نظربه این که دشمن در سال اول جنگ، شهرهای اهواز، اندیمشک و دزفول را زیر آتش مکرر توپخانه قرار می‌داد، به عنوان یک اقدام متقابل و برای کاهش این رفتار دشمن، دو قبضه توپ ۱۷۵ م م در اختفای کامل در مواضعی در فرودگاه آبادان مستقر گردیدند که به مجرد باز شدن آتش توپخانه دشمن روی شهرهای فوق‌الذکر، بلافاصله مناطق شمالی بصره زیر آتش توپ‌های یاد شده قرار می‌گرفتند و دشمن دریافته بود که با قطع تیراندازی خود، آتش روی بصره نیز متوقف می‌شود.

۵- در ماه چهارم جنگ، توپخانه لشکر ۲۱ در منطقه عملیاتی غرب کرخه برای اولین بار اقدام به ثبت تیر زمانی با گردان‌هائی که دارای گلوله با ماسوره زمانی بودند نمود. سپس در یک اقدام غافلگیرانه و غیر منتظره در یک نیمه شب آرام، ناگهان چندین گردان بطور همزمان اقدام به اجرای تیر زمانی نمودند که در ایجاد تلفات و کاهش روحیه دشمن اثر فوق‌العاده‌ای داشت. به‌گفته اسراء، تلفات و خسارات سنگین به دشمن وارد نمود. این اقدام در واقع استفاده از یکی از تکنیک‌های آتش مؤثر توپخانه بود.

۶- بسیاری از اسرای عراقی در اعترافات خود، آتش توپخانه ایران را مؤثر و مناسب و باعث ایجاد خسارت و تلفات در نیروهای عراقی ذکر کرده‌اند. بویژه تلفات و خسارات وارده در برخی محورها به واحدهای زرهی عراق

در اثر آتش توپخانه و هم‌چنین آتش هوانیروز مورد تأکید اسراست. (محمد درودیان - جنگ، بازیابی ثبات، پاورقی صفحه ۴۷)

۷- سرلشکر عراقی و فیک السامرائی رئیس اداره اطلاعات ارتش عراق در کتاب خاطرات خود (ویرانی دروازه شرقی صفحه ۶۷) می‌نویسد:

«نیروهای ایرانی قدرت به کارگیری ماهرانه و گسترده سلاح توپخانه را پیدا نمودند. افسران دیده‌بان ایرانی به صورت شایسته‌ای اقدام به هدایت و کنترل آتش می‌کردند و همین مسئله سبب شد تا نیروهای ما در مناطق فاقد پوشش و استحکام، زیر فشار شدید آنها قرار گیرند.»

۸- تعمیر، نوسازی و ساخت قطعات فرسوده جنگ‌افزارهای توپخانه^۱

الف- ساخت شعله پوش دهانه برای توپ‌های ۱۳۰ م.م: در سال‌های اولیه جنگ، به علت شدت تیراندازی و کارکرد زیاد، بخشی از جنگ‌افزارهای توپخانه دچار فرسودگی گردیده و نیاز به تعویض لوله، عاید و دافع و ... پیدا کردند که به ویژه لوله‌های این جنگ‌افزارها، صدمه

۱ - اطلاعات شخصی و گفتگو با مدیریت تعمیر و نگهداری سابق نزاجا و افزارمند آقای موسوی

شدیدتری را متحمل می‌شدند. از جمله توپ‌های ۱۳۰ م م روسی که دچار فرسودگی لوله شده بودند و بایستی تعویض لوله انجام می‌شد. اگرچه در انبارهای قطعات یدکی آمادگاه‌ها، تعدادی لوله نو برای تعویض وجود داشت، اما شعله پوش دهانه را نداشتند و تهیه آنها از کشور سازنده نیز مقدور نبود لذا از کشورهای کره شمالی و چین تعدادی شعله پوش لوله توپ ۱۳۰ م خریداری و لوله و شعله پوش‌های فرسوده تعویض گردیدند. اما شعله پوش‌های خریداری جدید در همان چند تیراندازی اولیه دچار ترکیدگی گردیده و غیرقابل استفاده شدند. شعله پوش دهانه از لحاظ جنس، مانند آلیاژ لوله بوده و سوراخ‌هایی با زاویه خاصی روی آنها تعبیه شده است. به این ترتیب با عدم امکان تهیه و خرید شعله پوش مناسب و مقاوم، مشکل اساسی و حتی حادثه‌تری از کمبود مهمات را به وجود آورد و گردان‌های ۱۳۰ م روز به روز دارای تعداد قبضه‌های کمتری می‌شدند.

لوله‌های فرسوده (دائمی) بایستی برابر روش جاری به کارخانجات صنایع دفاع تخلیه می‌شدند.

کارشناسان، متخصصان و افزارمندان فنی مدیریت تعمیر و نگهداری نزاجا در کارخانجات بابک نزاجا، پس از مدت‌ها بررسی، به این نتیجه رسیدند چنانچه یک لوله فرسوده را به صورت عرضی بریده شود می‌توان از

آن برای ساخت مبنایی ۳ شعله پوش استفاده کرد، که در واقع راه حل مشکل جنس آلیاژی مورد نیاز بود. در این راستا و برای آزمایش یک بار از تحویل یک لوله فرسوده به وزارت دفاع خودداری نمودند. اما مشکل اصلی بعدی چگونگی بریدن لوله بود که ابزار برشی خاصی را طلب می‌کرد.

با جستجو و بررسی‌های فراوان معلوم شد، یک نوع ارّه برشی، مناسب این نوع آلیاژهای سخت در آلمان ساخته می‌شود که به نام ارّه لنگی موسوم است.

با زحمت و تلاش، یک دستگاه از ابزار یاد شده توسط واسطه‌ها خریداری و به ایران حمل گردید و کار برش لوله‌ها که تخصص و توانایی و حوصله خاصی هم نیاز داشت، توسط یکی از کارمندان متعهد و سخت‌کوش معاونت تعمیر و نگهداری نذاجا انجام شد. علاوه بر شکل دادن آن‌ها، جهت نصب روی دهانه لوله، ایجاد سوراخ‌هایی جهت کنترل گاز پرتاب در لحظه خروج گلوله از دهانه لوله بود که هر یک از آن‌ها باید زاویه خاصی را دارا باشند انجام این کار موفقیت فنی بزرگی بود.

به این ترتیب یک قطعه ظاهراً بسیار ساده، اما در واقع بسیار پیچیده با تلاش و کوشش و خلاقیت مدیران، کارشناسان و افزارمندان معاونت تعمیر و نگهداری نذاجا ساخته شد. با نصب آن‌ها روی لوله‌های

یدکی، توپ‌های ۱۳۰ مم غیر قابل استفاده به خط عملیاتی بازگشتند.

توپ‌های ۱۳۰ مم خریداری شده از چین از لحاظ جنس لوله کم دوام و شکننده بود و خیلی زود از یگان‌های توپخانه کنار گذاشته شدند.

شایان ذکر است که فرسودگی لوله توپ‌های ساخت روسیه عمدتاً ناشی از جنس کمر بند بخشی از گلوله‌ها بودند که لوله و خان‌کشی آن را دچار آسیب می‌کرد.

ب- تعویض لوله هویتزرهای ۱۵۵ مم کششی: ابتکار و ابداع دیگری که در برطرف کردن اشکالات فنی جنگ‌افزارها قابل توجه بود، مسئله فرسوده شدن لوله هویتزرهای ۱۵۵ مم کششی آمریکائی بودند که دیگر لوله جایگزین آن‌ها در آمادگاه‌ها وجود نداشت و گردان‌های توپخانه لشکرهای پیاده و بعضی گروه‌های توپخانه دارای این نوع جنگ افزار بودند.

مدیریت تعمیر و نگهداری نزاجا در تلاش برای رفع اشکال لوله متوجه گردید که لوله‌های یدکی یک مدل از توپ‌های ۱۵۵ مم خودکششی که در انبارها موجود هستند، از لحاظ اندازه و ابعاد مشابه همان لوله‌های ۱۵۵ مم کششی هستند اما کولاس آنها تفاوت دارد.

یک بار دیگر هوشمندی، خلاقیت و اراده استوار مدیران، کارشناسان و افزارمندان آن مدیریت به میدان آمد و با محاسبه و تراشکاری بسیار دقیق و حساس و ساعت‌ها کار خستگی ناپذیر، تغییرات لازم را در کولاس‌ها به عمل آوردند تا بتوانند با لوله‌های جدید هم‌خوانی داشته باشند.

برای درک اهمیت و ظرافت کار باید ذکر شود که فشار ایجاد شده در جان لوله در لحظه انفجار خرج پرتاب که کولاس باید بتواند آن را تحمل نماید و علاوه بر آن، آب‌بندی کولاس و جان لوله باید به قدری دقیق باشد که نه تنها گاز ناشی از انفجار خرج پرتاب از کولاس به عقب بیرون نزند بلکه کوچکترین خللی در پیچ‌های شیب دار کولاس ایجاد ننماید، زیرا ممکن است سبب شود که کولاس از جا کنده شده و به عقب پرتاب شود.

پ- تعمیر و نوسازی دستگاه‌های عاید و دافع (BUFFER) هویتزرها:

ابتکار دیگری در زمینه تعمیر و نگهداری توپ‌ها شامل: از کار افتادن تعدادی از دستگاه‌های عاید و دافع هویتزرهای ۱۵۵ مم و ۱۰۵ مم بود. کارشناسان مدیریت تعمیر و نگهداری نزاجا بر آن شدند که یکی از آن‌ها را به عنوان نمونه باز کرده تا شاید بتوانند

واشرهای مخصوص جداسازی گاز و روغن داخل آن‌ها را تعویض و رفع عیب نمایند، زیرا در آمادگاه‌ها، یدکی این دستگاه‌ها موجود نبود و کشورهای دیگر هم یا نداشتند یا از فروش آنها خودداری می‌کردند.

باز کردن عاید و دافع‌های تعمیری، بخاطر فشار گاز داخل آنها و بویژه زمانی که باید واشر (O.Ring) گاز برداشته شود، با اشکال فراوان و خطر توأم بود. در اولین بار که این واشر باز شد به علت فشار گاز پشت آن به چند کیلومتر آن طرف تر پرتاب شد.

باز هم به مدد و همت و اراده و هوشمندی افزارمندان و عاید و دافع از کار افتاده مجدداً آماده به کار گردید و تعمیر آنها به صورت یک امر عادی درآمد.

ت - یک مدل توپخانه خودکشی:

در سال دوم جنگ به ابتکار فرمانده گروه ۲۲ توپخانه، با نصب و جوشکاری یک دستگاه راکت انداز ۱۲۲ مم کاتیوشا (لوله کوتاه) روی بدنه یک تانک غنیمتی از عراق به جای برجک از کار افتاده آن، در واقع یک مدل خودکشی از جنگ‌افزار مزبور بصورت ابتکاری مونتاژ شد. البته حرکت لوله‌ها در ارتفاع (برای تغییر برد) به علت اتصال ثابت به بدنه تانک با مشکل مواجه بود. لذا با تغییر مکان خودرو به سربالائی و

سرازمی‌شد. سرازیری حدوداً امکان تغییر در برد به صورت تجربی فراهم می‌شد.

ساخت مدل مزبور در همان یک دستگاه متوقف گردید و ادامه نیافت^۱

ث- تشکیل یگان‌های موشکی در توپخانه صحرائی: در سال ۱۳۶۳ پس از آنکه ایران توانست دشمن بعضی را از کشور به بیرون از مرزهای خود عقب براند، دشمن بمباران هوایی و سپس موشک‌باران شهرهای مختلف کشور را شروع نمود. لذا مقامات نظامی جهت پاسخگویی به این تحرک دشمن برآن شدند که در طرح‌ریزی موشک‌ها شروع به کار نمایند. و در این راستا در سال ۱۳۶۴ موشک‌انداز زمین به زمین عقاب وارد سازمان توپخانه صحرائی نیروی زمینی ارتش شد و یک دسته موشک‌انداز در قالب گردان‌های بعضی از گردان‌های کاتیوشا به سازمان گروه‌های توپخانه اضافه گردید.

ابتدا این نوع موشک‌انداز به عنوان دسته موشک‌انداز زمین به زمین عقاب به استعداد دو قبضه (یک قبضه سه ریلی کششی و یک قبضه چهار ریلی خود کششی) بر روی خودروهای موشک‌انداز کاتیوشا نصب گردید و در قالب گردان ۳۹۶ در گروه ۲۲ شروع به انجام

۱ - اطلاعات شخصی و گفتگو با مدیریت تعمیر و نگهداری (سابق) نزاجا و افزارمند موسوی

مأموریت نمود. در طول جنگ (از سال ۶۴ تا زمان آتش بس) تعداد ۵۸ فروند موشک به طرف اهداف از پیش تعیین شده خصوصاً شهر بصره عراق و خیابان الرشید این شهر که مقر کنسولگری آمریکا بود توسط این نوع موشک‌انداز شلیک شد. از این تعداد ۴ فروند آن قبل از رسیدن به هدف منهدم گردید ۲ فروند یکی بر روی خود دستگاه پرتاب و دیگری در فاصله بسیار کمی منهدم گردید و تعداد ۵۲ فروند موشک به هدف اصابت نمود که اصابت همین راکت‌ها باعث تعطیلی کنسولگری آمریکا در شهر بصره گردید.

این آتشبار از سال ۶۴ تا پایان جنگ در تمامی عملیات‌ها شرکت داشت و به طور مداوم شهر بصره عراق را مورد حملات موشکی خود قرار می‌داد. ضمناً آتشبارهای مشابهی نیز در گروه‌های ۳۳ و ۴۴ توپخانه سازمان داده شده و فعال گردیدند. در سال ۱۳۶۶ این آتشبارها با عنوان آتشبارهای مستقل در گروه‌های سه گانه توپخانه سازمان داده شدند.

در سال ۱۳۸۸ این آتشبارها به علت از رده خارج شدن موشک‌اندازهای عقاب، به سیستم جدید و پیشرفته راکت‌انداز فجر ۵ مجهز گردیدند.

بخش هفتم توپخانه در جنگ

بهبود سریع وضعیت یگان‌ها و رفع بسیاری از نواقص و معایب و سایر مشکلات حداکثر در شش ماهه اول جنگ و بکارگیری یگان‌های توپخانه طبق اصول تاکتیکی این رشته، حاصل تلاش فرماندهان ورزیده و با کفایت گردان‌ها و توپخانه‌های لشگری و گروه‌های توپخانه و همچنین حضور مشاوران فعال و دلسوز توپخانه (افسر توپخانه در ستاد تخصصی قرارگاه فرماندهی نزاجا) بود که به نحو مؤثری به بهبود این وضعیت کمک کردند. از جمله سازمان دادن مجدد آتشبارها و گردان‌های ۱۰۵م که قبلاً در طرح‌های سازمانی می‌رفت که از رده خارج شود، به منظور افزایش آتش توپخانه‌های لشگری و یا افزایش تعداد توپ‌های این آتشبارها که در بعضی یگان‌ها ۴ قبضه‌ای بود از ۴ قبضه به ۶ قبضه. زیرا مهمات این جنگ افزار در صنایع دفاعی ایران ساخته می‌شد و لذا محدودیتی برای مصرف نداشتند. از طرفی با جلو کشیدن مواضع این نوع سلاح به مجاورت یا بلافاصله به پشت یگان‌های مانوری، تا حدودی نیز برد آن افزایش یافت. گر چه به نسبت (البته میزان کمتر) آسیب‌پذیری آن نیز فزونی گرفت.

یگان‌های توپخانه در واقع پشتیبانی‌کننده عمده و اصلی یگان‌های تکور و پدافند کننده در طول جنگ بودند و بدون نفی تلاش‌های ارزنده هوانیروز و نیروی هوایی، باید این واقعیت پذیرفته شود که فراهم کننده اصلی و مداوم و پر حجم آتش پشتیبانی در کلیه عملیات آفندی و پدافندی و برای کلیه یگان‌های مانوری صحنه رزم اعم از ارتشی و سپاهی، توپخانه نیروی زمینی بوده است.

در دو سال اول جنگ که هنوز نیروهای ایرانی وارد خاک عراق نشده و یا حتی با مرز فاصله داشتند، مانند توپهای ۱۷۵ مم توپخانه نیروی زمینی در حد برد و توان خود اهداف نظامی و صنعتی در آن سوی مرز را به‌عنوان اقدامات تلافی جویانه و متقابل زیر آتش می‌گرفت (مانند تأسیسات پتروشیمی بصره). توپخانه ۱۳۰ مم نزاجا هم نیروی دریایی ارتش را در مأموریت بسیار مهم اسکورت کاروان‌های کشتی‌های تجاری و نفت‌کش برابر طرحی به نام طرح اژدر پشتیبانی می‌کرد. به این معنا که در طول حرکت کاروان کشتی‌ها در خورموسی از بندر امام خمینی(ره) تا خلیج فارس در حال ورود یا خروج، با اجرای آتش روی مواضع موشک‌های ضد کشتی اگزوسه عراق مستقر در حوالی دهانه اروندرود مانع از فعالیت این

یگان‌های موشکی دشمن گردیده یا فعالیت آن را تقلیل می‌داد.

آموزش تخصصی توپخانه و کاربرد آن، به سپاه پاسداران و کمک به تشکیل و سازماندهی توپخانه سپاه در سال‌های میانی جنگ نکته‌ای حائز اهمیت است. به قول امیر دریادار شمخانی «توپخانه سپاه فرزند توپخانه ارتش است.^۱» نیروی زمینی غالب توپ‌های اغتنامی خود از دشمن را به سپاه تحویل می‌داد. به‌عنوان مثال، پس از عملیات فتح‌المبین، لشکر ۲۱ پیاده ده‌ها قبضه جنگ‌افزارهای توپخانه غنیمتی از دشمن را به سپاه واگذار نمود و طرز استفاده از آنها را نیز آموزش داد.

بنیانگذاران توپخانه سپاه پاسداران مانند سرداران شفیع‌زاده، عبدالمهی، مقدم تهرانی، زهدی و... آموزش‌های قوانین تیر و آتشبار تیر و دیدبانی و طرح‌ریزی و تطبیق آتشهای پشتیبانی توپخانه را زیر نظر افسران گروه ۳۳ توپخانه فرا گرفتند. البته در سال‌های بعد، سپاه با خریداری توپهای ۱۵۵مم اتریشی و ۱۲۲مم از کره شمالی و کاتیوشا ۳۰ لوله‌ای، سازمان اولیه توپخانه خود را که از توپ‌های غنیمتی از عراق تشکیل داده بود تقویت و توسعه داد.

۱ - سخنرانی ضبط شده از امیر دریابان علی شمخانی درباره نقش توپخانه در جنگ (لوح فشرده مرکز توپخانه و موشک‌ها)

اما به عنوان یک واقعیت از بابت اجرای آتش ضد آتشبار و هدفیابی، عملکرد مؤثر چندانی نداشتیم. که این امر ناشی از عدم دسترسی به رادارهای هدفیاب بود و اجرای آتش ضد آتشبار به صورت متقابل و براساس حدس و گمانه زنی از محل مواضع توپخانه دشمن و یا کسب خبر از محل آن آتشبارها، اجرا می شد و شیوه استفاده سنتی از بررسی قیف‌های انفجاری عملاً کارآمد نبود.

از ۲۸۸۰ روز طول جنگ گفته می‌شود ۱۰۰۰ روز جبهه‌ها فعال و ۱۸۸۰ روز آن غیر فعال بود. توپخانه نیروی زمینی علاوه بر آن که در آن ۱۰۰۰ روز فعال، اعم از عملیات آفندی نیروهای خودی و یا دفع تکه‌ها و پاتک‌های سنگین دشمن فعالانه و بسیار مؤثر در پشتیبانی از یگانهای مانوری شرکت داشت، در آن ۱۸۸۰ روز غیرفعال نیز می‌جنگید، (تبادل آتش توپخانه). بنابراین توپخانه نیروی زمینی در طول هشت سال دفاع مقدس همواره بصورت شبانه روزی آماده و فعال بود.

گر چه تعداد معدودی توپ‌های ۱۲۲ مم از کره شمالی و توپ‌های ۱۵۵ مم کا. اچ اتریشی و ۱۳۰ مم چینی خریداری شد، ولی عملاً نتوانستند کمبود کلی یگان‌های توپخانه را جبران کنند و از سوی دیگر کمبود پاره‌ای از انواع مهمات مانند راکت‌های ۱۲۲ مم کاتیوشا، مهمات

توپ‌های ۱۳۰م و گلوله‌های ساب کالیبر توپ‌های ۱۷۵ م^۱ که تقریباً همیشه سهمیه بندی می‌شدند مشکل عمده و اساسی این نوع یگان‌ها بودند که سعی می‌گردید با صرفه جوئی آن‌ها در روزهای غیرفعال جنگ، بتوانند در زمان‌های ضرور عملیات، پشتیبانی لازم و کافی را از یگان‌های پشتیبانی شونده به عمل آورند.

ناگفته نماند که در کنار کمبودهای مهماتی توپ‌های ۱۷۵ و هویتزرهای ۲۰۳ م، کمبود قطعات تند مصرف مانند بالشتک هویتزرها یا قطعات خودروهای شنی‌دار توپ‌های ۱۵۵ خودکشی نیز وجود داشت.

گسترش رزمی گروه‌های پنجگانه توپخانه در هشت سال دفاع مقدس عمدتاً عبارت بودند از: گروه ۱۱ در منطقه عملیاتی شمال غرب، گروه ۴۴ در منطقه عملیاتی غرب و گروه‌های ۳۳، ۵۵ و ۲۲ در منطقه عملیاتی جنوب. البته حسب نیازهای جبهه ممکن بود گردان‌هایی از گروه‌های مذکور به مناطق عملیاتی دیگر اعزام شوند.

۱ - ساب کالیبر به گلوله‌های خاصی از توپ ۱۷۵ م گفته می‌شود که برای افزایش برد تا ۴۵ کیلومتر، آنها کوچکتر و لاغرتر ساخته می‌شوند و لذا برای جاگیری کامل آنها در جان لوله، بالشتک‌های فلزی خاصی دور کمرند آنها قرار می‌گیرد. این نوع گلوله را فقط ارتش‌های آمریکا، اسرائیل و ایران دارا هستند.

در پاره‌ای موارد گردان‌هایی از این گروه‌ها حسب تدابیر و طرح‌های فرماندهی نیروی زمینی ممکن بود مأموریت ویژه‌ای را در قالب همان مأموریت عمل کلی انجام دهند مانند پشتیبانی از اسکورت کاروان‌های کشتی‌های تجاری و نفت کش در خور موسی و یا زیر آتش قراردادن کرانه جنوبی اروند رود (توسط گردان‌هایی از گروه ۲۲ توپخانه) و یا زیر آتش قرار دادن مناطق صنعتی و نظامی بصره با یگان توپخانه ۱۷۵ م م حسب دستور.

بخش هشتم

الف) کاربرد توپخانه در عملیات نامنظم (غرب کشور)

در سال ۵۹ در همان عملیات اولیه مقابله با گروهک‌های (دمکرات و کومله) در آزادسازی شهرها، مسیر جاده‌ها پاکسازی مناطق، تأمین پایگاه‌ها و تأمین ستون‌های نظامی در جابجائی از حضور افسران توپخانه بخصوص شهید سپهبد صیاد شیرازی استفاده‌های زیادی بعمل آمده است.

در آزادسازی شهر سنندج در سوم اردیبهشت ماه ۵۹ شهر کاملاً در تصرف ضدانقلاب بوده و پادگان لشکر ۲۸ نیز در محاصره و جاده‌های ورودی و خروجی شهر بجز جاده کرمانشاه به سنندج در اختیار و کنترل ضدانقلاب بود بدستور شهید صیاد شیرازی دو قبضه هویتزر ۱۰۵ م م را با هلی کوپتر شنوک به فرودگاه سنندج که در کنترل ارتش بود حمل کرده و با همین دو قبضه و با دید کم و ثبت تیر دقیق توسط شهید صیاد شیرازی راه‌های ورودی و خروجی شهر کنترل گردید که همین امر در اقدامات بعدی و آزادسازی سنندج عملیات بسیار مؤثر بود.

در آزادسازی محورهای سنندج - دیواندره، سنندج - مریوان، سقز به بانه و . . . دیگر محورها شهید ابتکاری را بخرج داد به این ترتیب که در عملیات، نیرو را به دو

ستون مجزا و با فاصله ۳ الی ۴ کیلومتر از یکدیگر تقسیم می‌کرد که به هنگام درگیری هر ستون بتواند به عنوان نیروی پشتیبان ستون دیگر عمل نماید و این فاصله ۳ الی ۴ کیلومتری هم بخاطر این بود که این دو ستون بتوانند از یکدیگر پشتیبانی نمایند.

در مورد کاربرد توپخانه، امیر سرتیپ سید حسام هاشمی که از هم‌زمان شهید صیاد شیرازی در کردستان و همچنین فرمانده گروه ۳۳ توپخانه در دورانی از جنگ تحمیلی بوده‌اند اطلاعاتی به شرح زیر را ارائه می‌نمایند:

عملیات نامنظم در کردستان به منظور برقراری امنیت داخلی در آن منطقه در چند مرحله صورت گرفت که عبارتند از:

- **مرحله یکم** آزاد سازی شهرهای در کنترل عوامل ضد انقلاب
- **مرحله دوم** بازگشایی محورها و تشکیل پایگاه‌های ثابت برای تأمین در طول محورها
- **مرحله سوم** تجزیه کلی مناطق ناامن از یکدیگر و پاکسازی مناطق با اجرای عملیات رزمی و ایجاد پایگاه‌های ثابت برای حفظ و استمرار امنیت در آن مناطق.
- **مرحله چهارم** اجرای عملیات منظم و متعارف در خطوط مرزی مشترک و یا داخل خاک عراق به منظور قطع ارتباط ضدانقلاب با عوامل وابسته داخلی

در کلیه عملیات بالا از یگان‌ها و جنگ افزارهای توپخانه‌های صحرایی و پدافند هوایی استفاده گردید. مثلاً در مرحله آزادسازی شهرها، برای تأمین راه‌های ورودی و خروجی شهر از این یگان‌ها و جنگ‌افزارها بهره برداری شد.

در مرحله بازگشایی محورها، برقراری تأمین در محور و ستون‌کشی‌های نظامی و هم‌چنین برقراری تأمین محور به طور ۲۴ ساعته شبانه روزی از پایگاه‌های ثابت که قاعدتاً در برد توپخانه‌های موجود که عمدتاً بصورت‌های دو قبضه‌ای و گاهی یک قبضه‌ای در یکی از پایگاه‌ها موضع گرفته بودند و با آموزش دیدبانان و برقراری ارتباطات بی‌سیم و با سیم (در حد مقدمات) در مواقع ضروری و حسب نیاز استفاده گردید و تلاش بر آن بود که چند پایگاه، بتوانند از پشتیبانی یک موضع توپخانه بهره‌مند باشند. در چندین مورد هم از تیراندازی توپخانه بصورت تیر مستقیم استفاده گردید که معمولاً هویتزرهای ۱۰۵ مم اجرا می‌گردید.

ب) شرکت توپخانه در طرح‌های فریب تاکتیکی

به‌عنوان یک نمونه: شرکت و نحوه اقدام یگان‌های توپخانه در یک طرح فریب تاکتیکی، در عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) از ۱۰ روز قبل از آغاز عملیات، پاره‌ای از یگان‌های توپخانه بدون رعایت اصول کافی حفاظتی به منطقه شلمچه

یا در منطقه هور وارد شده و با تهیه مواضع فریبنده و با تیراندازهای ایذائی و ثبت تیرهای متعدد سعی در جلب توجه دشمن در منطقه هور و شرق بصره به خود می نمودند و شب هنگام با رعایت کامل اصول حفاظتی به مواضع اصلی خود بر می گشتند. این اقدام سبب گردید که دشمن تک قریب الوقوع رزمندگان را در منطقه شلمچه و هورالعظیم برآورد نماید. تا آن جا که بعضی از یگان های خود را از منطقه فاو به منطقه شلمچه گسیل داشت.

یکی از مسئولان وقت توپخانه سپاه (برادر پاسدار نوشادی) که بعد از پایان جنگ دوره دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی زمینی ارتش را طی نمود در پایان نامه خود می نویسد:

«برای اجرای عملیات با توجه به لزوم اصل غافلگیری ضرورت داشت تا طرح فریبی برای دشمن به مورد اجرا گذارده شود. به همین منظور در منطقه عملیاتی هور، طرح فریب به اجرا گذارده شد که توپخانه نیز در این باره برنامه هائی را به عهده داشت.»

گردان های توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران که در منطقه استقرار داشتند تردهای خود را در این منطقه با جابه جایی آتشبارها افزایش دادند و خلاصه این که اقدامات توپخانه در طرح فریب به شرح زیر انجام گرفت:

حرکت ستون های توپخانه در روز با طول ستون زیاد جابه جائی آتشبارها

احداث مواضع فریبنده توپخانه
اقدام به ثبت تیرهای متعدد با گلوله‌های فسفر سفید
در نقاط مختلف منطقه
برقراری دکل‌های دیده‌بانی

به طور کلی می‌توان گفت اقداماتی مانند جابه‌جائی‌ها،
ثبت تیرها، تیراندازی‌های ایذائی و تهیه مواضع فریبنده،
می‌توانند از جمله اقدامات فریب توپخانه برای گمراه کردن
دشمن به شمار آیند.

بخش نهم

نکاتی از عملکرد توپخانه

نقش کلی

در یک تحلیل کلی می‌توان این نظریه را ارائه کرد که در چند ماهه آغاز جنگ، توپخانه تمام تلاش خود را برای متوقف ساختن و وارد کردن تلفات و خسارات به متجاوز بکار گرفت. پس از متوقف نمودن دشمن، آغاز تهاجمات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اعم از عملیات محدود یا گسترده، موانع و مراقبت و دیدبانی دشمن روی میادین مین خود و هم‌چنین کمبود مهمات توپخانه خودی برای اجرای یک آتش تهیه قوی، جهت غافلگیری و کاهش قدرت دفاعی هوائی و زمینی دشمن در برابر آفند نیروی خودی، عملیات بصورت شبانه انجام می‌گرفت. لذا اساساً فعالیت توپخانه نیروی زمینی در پدافند بیش از آفند بود. و عمده آتش‌های خودی در پدافند از مناطق متصرفی و دفع پاتک‌های دشمن متمرکز می‌گردید. زیرا اگر عملیات غافلگیرانه آفندی خودی، توأم با موفقیت می‌شد که نیاز چندانی به پشتیبانی توپخانه از یگان‌های تک‌ور نبود، ولی همانطور که در بالا گفته شد برای حفظ مواضع و مناطق متصرفی و یا خنثی کردن پاتک‌های دشمن، نیاز به آتش پشتیبانی توپخانه شدید می‌گردید.

اگر به هر دلیل ناچار به عقب‌نشینی و یا حرکات تأخیری پیدا می‌شد توپخانه بسیار فعال عمل می‌کرد. بنابراین می‌توان گفت که توپخانه بیشترین فعالیت‌ها را در قالب پدافندی برعهده داشت.

توانائی مدیریت و فرماندهی افسران رسته توپخانه

در طول هشت سال دفاع مقدس، افسران رسته توپخانه در مشاغل فرماندهی و ستادی، مانند فرماندهی نیروی زمینی، جانشین فرماندهی نیرو، معاونت هماهنگ کننده و معاونت‌های آن نیرو مانند لجستیکی، پرسنلی، آموزشی، بازرسی و همچنین فرماندهی بر لشگرهای پیاده مانند ۷۷ و ۲۸ و عهده دار شدن مسئولیت‌های ستادی و طراحی عملیات در قرارگاه‌های سر فرماندهی نزاجا، قرارگاه مشترک کربلا، به خصوص در دو سال اول جنگ توانستند کارایی، قابلیت هوشمندی و توانمندی خود را به خوبی ارائه و اثبات نمایند.

بنابراین می‌توان گفت که کارکنان رسته توپخانه در هشت سال دفاع مقدس، در همه زمینه‌های رزمی، صفی و ستادی مأموریت‌ها و مسئولیت‌های واگذاری را به خوبی انجام داده‌اند.

دقت و مهارت

یکی از نکات مثبت عملکرد توپخانه نیروی زمینی در ۸ سال دفاع مقدس، که تاکنون به آن اشاره نشده و اولین بار است که در این نشریه مطرح می‌شود این است که در طول مدت جنگ و شلیک میلیون‌ها گلوله و اجرای آتش در وضعیت‌های آفندی، پدافندی، عملیات تأخیری و حرکات به عقب، و گاه در شرایط پیچیده و مبهم در درگیری‌ها، حتی یک گلوله توپخانه نیروی زمینی، اشتباهات و در نتیجه خطای انسانی، نیروی خودی را مورد اصابت قرار نداد.

از طرفی به دلیل کمبود مهمات و صرفه‌جویی در مهمات، از سال دوم جنگ به بعد، توپخانه به دقت تیر خود افزود تا کمبود حجم و کمیت آتش خود را (به دلیل کمبود مهمات) تا حدود زیادی جبران نماید.

توپخانه در پشتیبانی از عملیات آبی / خاکی

الف: در عملیات آفندی خیبر (۳ تا ۱۳۶۲/۱۲/۲۲ در منطقه عمومی هورالعظیم شرق دجله) که آتش توپخانه صحرائی از مواضعی در کرانه شرقی هور بایستی یگان‌های مانوری را که با عبور غافلگیرانه از نزارهای هور به کرانه غربی وارد و با یگان‌های دشمن درگیر می‌شدند، پشتیبانی نماید. طبقاً به علت عریض بودن هور، با مشکل کمبود برد مواجه بودند. ناگزیر فقط توپخانه‌های ۱۳۰ مم و ۱۲۲ مم کاتیوشا قابل استفاده بودند که آنها هم فارغ از این مشکل

نبودند. البته در برآوردهای اولیه ستادی به این مشکل اشاره شده بود. اما تعدادی فرماندهان یگان‌های مانوری سپاه بر این باور استوار بودند که عبور غافلگیرانه و اقدامات تأمینی، نیاز به آتش پشتیبانی را به حداقل می‌رساند. از سوی دیگر باید این واقعیت نیز پذیرفته می‌شد که پس از وصول یگان‌های تازشی به کرانه غربی و هجوم به مواضع دشمن که منجر به کشف تک می‌گردید، آتش‌های هوایی بالگردهای تک‌ور و آتش پشتیبانی نزدیک نیروی هوایی (AC.S) به علت حضور نیروی هوایی عراق در آسمان منطقه به نحو مؤثری نمی‌توانست جوابگوی نیازمندی‌های پشتیبانی آتش یگان‌ها باشد. ضمن این‌که تغییر مواضع توپخانه‌های پشتیبانی کننده به جلو و بویژه عبور آن‌ها از هور برای پشتیبانی از یگان‌های مانوری که باید در کرانه غربی به سوی جاده‌ی العماره - بصره پیشروی کنند. به علت فقدان وسیله حمل غیر مقدور بود. بنابراین پاره‌ای برآورد کنندگان اعتقاد داشتند، اکتفا به آتش‌های هوایی پس از کشف تک و یا اتکاء فراوان به غافلگیری دشمن، عدم توانائی توپخانه در پشتیبانی از آتش را جبران نخواهد کرد. به طور کلی در عملیات خیبر در صحنه عملیات هورالعظیم، توپخانه صحرائی نمی‌توانست به نحو شایسته‌ای فعال باشد.

اما در همین عملیات در منطقه زید (منطقه واگذاری به نزاجا) ۲۳ گردان توپخانه صحرایی عملیات این قرارگاه را پشتیبانی می نمودند.

ضمناً گروه ۳۳ توپخانه (۴ گردان) برای پشتیبانی از منطقه قرارگاه فتح (از قرارگاه نجف سپاه پاسداران) در پشتیبانی آن قرارگاه قرار داده شد.

ب - در عملیات بدر (۱۹ تا ۱۳۶۳/۱۲/۲۶ جبهه هورالهویزه / غرب دجله) که در واقع به نوعی شبیه عملیات خیبر و با تلاش برای رفع مشکلات پشتیبانی آن بود، اگرچه در صحنه عملیاتی با استقرار گردان های ۱۳۰ م (۲گردان) و یک گردان کاتیوشا ۱۲۲ م در جزایر مجنون، تا حدودی مشکل کمبود برد در مراحل اولیه عملیات رفع می شد، اما با پیشروی یگان ها به سوی رودخانه دجله و عبور از آن و درگیری با دشمن در کرانه غربی آن رودخانه، مجدداً اشکال کمبود برد، خود را نشان می داد که البته در برآوردهای ستادی اولیه به فرماندهان توجه داده شده بود. اگرچه یک آتشبار ۵ توپه ۱۰۵ م توسط طرّاده P.M.P به منطقه غرب هور حمل گردید، ولی به طور کلی کوتاهی برد و شدت آتش ضد آتشبار دشمن، استفاده مطلوب از آتش پشتیبانی را مقدور ن ساخت.

پ - در عملیات والفجر ۸ (۶۲/۱۱/۲۰ تا ۶۲/۰۲/۰۹ جبهه فاو) بر عکس عملیات‌های خیبر و بدر، به علت در دسترس بودن هدف‌ها، کلیه کالیبرهای توپخانه صحرائی می‌توانستند به نحو مؤثری روی هدف‌ها (بویژه جاده البحر بصره/ فاو) اجرای آتش کنند، لذا در این عملیات استفاده‌ی حداکثری از آتش توپخانه به عمل آمد. توپخانه توانست یگان‌های دشمن را در مسافتی طولانی در حدود ۱۵۰ کیلومتر (از پاسگاه زید در شرق بصره تا اروند کنار در جنوب جزیره آبادان) هدف آتش خود قرار دهد.

در عملیات والفجر ۸ حسب دستور سریع و قاطع آقای هاشمی رفسنجانی، فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیا (ص)، فرماندهی نیروی زمینی ارتش ناگزیر از قبول ریسک در سایر مناطق عملیاتی نیروی زمینی، ۱۸ گردان توپخانه صحرائی (تقریباً یک سوم کل توپخانه نزا) را برای پشتیبانی از عملیات به منطقه عمل سپاه پاسداران اختصاص داد که در کنار ۱۲ گردان توپخانه سپاه، عملیات را به‌نحو مؤثری پشتیبانی نمودند به‌ویژه در ۷۵ روز اولیه که نیروهای عراقی به‌طور مستمر و روزانه برای باز پس‌گیری فاو پاتک می‌کردند آتش توپخانه در دفع و کاهش قدرت این پاتک‌ها سهم بسیار چشمگیر و سرنوشت‌سازی ایفا کرد.

طرح‌ریزی آتش توپخانه صحرائی و هماهنگی آتش‌های پشتیبانی طبق طرح عملیاتی، به عهده جانشین فرمانده گروه ۲۲ توپخانه نیروی زمینی واگذار شده بود اما عملاً توسط سپاه پاسداران و به صورت آتش درخواست شده توسط دیدبان‌های سپاه اجرا می‌شد.

شایان ذکر است که نیروی زمینی بعداً و حسب دستور، تعداد دیگری از یگان‌های توپخانه خود را، به گردان‌های واگذاری قبلی در منطقه عمل سپاه پاسداران اضافه نمود. به‌طوری‌که در آمارهای موجود شماره‌ی گردان‌های توپخانه صحرائی نیروی زمینی شرکت کننده در عملیات فاو، به ۲۹ گردان و ۳ آتشبار بالغ گردید. (سرهنگ اسدی؛ ارتش در فاو، صفحات ۱۱۰ تا ۱۱۲، انتشارات ایران سبز)

شدت آتشباری یگان‌های توپخانه‌ها در این عملیات به‌نحوی بود که در ۲۰ روز اول عملیات، لوله هویترهای تعدادی از آتشبارها صفر (خان خورده و غیر قابل استفاده) گردید. نیروی زمینی بلافاصله این یگان‌ها را با گردان‌های دیگر توپخانه خود در منطقه جایگزین می‌نمود.

آمار شهدای توپخانه در این عملیات حداقل ۵۶ نفر پایور و ۷۴ نفر وظیفه می‌باشد.

اجرای آتش تهیه

در جنگ‌های نوین اثر بخشی آتش تهیه در حجم، وسعت، عمق و مدت زمان اجرای آن است که طبعاً مصرف مهمات زیادی را طلب می‌کند.

امروزه اجرای آتش تهیه به مدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه و حتی بیشتر هم که برگرفته از تجارب جنگ‌های نیمه اول قرن بیستم است، اثر بخش نیست. بویژه اگر نیروی پدافند کننده در مواضع مستحکم استقرار یافته باشد، زمان و شدت بیشتری را طلب می‌کند که طبعاً مستلزم مصرف زیاد مهمات است.

با عنایت به این مطلب که اجرای آتش تهیه با زمان کافی و مؤثر، نه تنها از نظر تدارک و مصرف مهمات در مقادورات یگان‌های توپخانه صحرائی و جنگ‌افزارهای سنگین سایر یگان‌های مانوری قرار نمی‌گرفت، بلکه چون غافلگیری دشمن، با استفاده از تاریکی شب و شرایط دید محدود برای عبور از میادین مین و سیستم‌های سد و موانع و در امان نسبی بودن از دید هوائی و هواپیماهای دشمن هنگام شکستن خط و رخنه در مواضع خصم، اساس تاکتیک‌های آفندی نیروهای خودی محسوب می‌شد. لذا راه کار تک بدون استفاده از آتش و روشنائی، روش تاکتیکی انتخاب شده فرماندهان و طراحان ما بود. البته همواره آتش تهیه در طرح‌های عملیاتی از نظر رعایت قواره‌های تاکتیکی در طرح مانور پیش‌بینی می‌گردید، اما عملاً اجرا نمی‌شد. ولی یگان‌های توپخانه به کرات و به مجرد درخواست نیروهای خودی، آتش شدیدی به روی دشمن باز می‌کردند.

در عملیات موسوم به والفجر ۱ (۲۱ تا ۱۳۶۲/۰۱/۲۸) جبل فوقی، منطقه عمومی موسیان) بر اساس راه کار تاکتیکی انتخاب شده، یک آتش تهیه تقریباً به مدت نزدیک یک ساعت طرح ریزی و اجرا شد که در آن نزدیک به ۶۰ هزار گلوله توپ و تانک و خمپاره در آن به سوی دشمن پرتاب گردید. ولی متقابلاً آتش ضد تهیه توپخانه دشمن، جهنمی از آتش را سبب گردید و برآورد می شود که حدوداً ۱/۵ میلیون گلوله توپ و خمپاره به مدت ۳ روز نیروهای خودی را هدف قرار دادند.

طرح ریزی آتش پشتیبانی

یکی از مدارک عمده در طرح ریزی های عملیاتی، طرح پشتیبانی آتش است که مأموریت و وظایف هر یک از عوامل مختلف پشتیبانی آتش در یک عملیات، مانند توپخانه های صحرائی، هوانیروز، نیروی هوایی، نیروی دریایی، آتش روشنائی و ...) را مشخص می کند. چگونگی تهیه این مدارک از لحاظ محتوایی و تخصصی، موضوع این بحث نیست و تنها به ذکر این مطلب بسنده می شود که در عملیات ۸ سال دفاع مقدس در کنار هر دستور یا طرح عملیاتی، پیوست پشتیبانی آتش آن نیز تهیه می گردید که در رده قرارگاه های مقدم نزاجا و یا قرارگاه مشترک کربلا، این پیوست توسط افسر هماهنگ کننده آتش های پشتیبانی (مشاور توپخانه فرمانده نیروی زمینی) تهیه می گردید که

دارای ضمامی مانند (توپخانه صحرایی)، (هوانیروز) و (نیروی هوایی) می‌باشد. طبقاً این اقدام با همکاری و هماهنگی فرمانده گروه توپخانه مستقر در منطقه و افسران رابط هوانیروز و نیروی هوایی در قرارگاه فرماندهی تهیه و منتشر می‌گردید.

آتش آن تعداد از یگان‌های گروه توپخانه، اعم از گردان یا آتشبار که در تقویت آتش توپخانه‌های لشکری قرار می‌گرفتند توسط رکن سوم توپخانه لشکری مربوطه طرح‌ریزی می‌گردید. آتش آن تعداد که به صورت عمل کلی و یا عمل کلی تقویت در اختیار گروه باقی می‌ماندند، توسط رکن سوم گروه طرح‌ریزی می‌گردید.

به منظور کاهش آسیب‌پذیری‌ها و صرفه جویی، تلاش می‌گردید استفاده از آتش هوایی یا عکس برداری و آتش بالگردهای کبرا به حداقل تقلیل یافته و بنا به درخواست و در شرائط ضروری از آنها استفاده شود، لذا تطبیق آتش‌های زمینی و هوایی مشکل عمده‌ای را سبب نمی‌گردید. (به عنوان نمونه به پیوست پشتیبانی آتش طرح عملیاتی فتح‌المبین در پایان همین متن مراجعه شود).

توپخانه در مقابله با حملات شیمیایی دشمن:

توپخانه‌های نیروی زمینی، مانند سایر یگان‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، هرگز از جنگ افزار شیمیایی استفاده نکردند و یگان‌های توپخانه خودی

در جزایر مجنون، در منطقه نفت شهر و در شبه جزیره فاو مورد اصابت جنگ‌افزارهای شیمیایی رژیم بعثی عراق قرار گرفته و متحمل تلفات شدند. در مقابل آتش شیمیایی عراق، یگان‌های توپخانه نمی‌توانستند عکس‌العملی، جز آن‌که یا از ماسک ضد گاز برای محافظت خود استفاده کرده و به مأموریت ادامه داده و یا منطقه آلوده را ترک نمایند، انجام دهند.

براساس آمارهای سازمان ملل متحد، رژیم عراق در طول جنگ، مجموعاً ۱۸۰۰ تُن گاز خردل و سیانور، ۶۰۰ تن گاز سارین و ۱۴۰ تن گاز تابون را در قالب نزدیک به ۱۰۰ هزار گلوله توپخانه و بمب بکار برده است. (سروش، محمدرضا، رئیس پژوهشکده امور پزشکی جانبازان، روزنامه اعتماد، تیرماه ۱۳۶۷، ص ۱۰)

بخش دهم

ارزیابی کلی عملکرد توپخانه دشمن

برابر اطلاعات موجود، ارتش عراق در آغاز جنگ با حدود ۱۱۶۰ قبضه توپخانه صحرایی (حدود ۶۸ گردان) و ۱۲۰۰ قبضه توپ ضد هوایی و گردان‌های موشک‌های زمین به زمین، اسکادبی وارد عمل گردید که البته در طول جنگ و با افزایش لشگرهای عراقی به حدود ۵۰ لشکر، بدیهی است تعداد گردان‌های توپخانه عراق بایستی ۳ یا ۴ برابر شده باشند. بطوریکه می‌توانست تا ۴۰ گردان توپخانه را در پشتیبانی از یک منطقه عملیاتی گسترش دهد (عملیات کربلای ۵) و بدون آنکه از نظر مهمات دچار مضیقه و کمبود باشد.

توپخانه صحرایی عراق، به علت عدم محدودیت مهمات، حجم آتش بسیار سنگین‌تری را در مقابل آتش توپخانه نیروی زمینی در تمام طول جنگ توانست اجرا نماید. به علت استفاده از مهمات شیمیایی، ضایعات انسانی شدیدی بر نیروهای جمهوری اسلامی ایران وارد ساخت.

در طول جنگ، ارتش عراق با خریدهای تسلیحاتی و دریافت تجهیزات از کشورهای اروپایی، آمریکای لاتین و کشورهای عربی منطقه، قدرت و برد توپخانه‌ای و موشک

زمینی خود را افزایش داد، در حالی که توپخانه صحرایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران که با حدود ۱۰۰۰ قبضه (۵۸ گردان) توپخانه وارد جنگ شده بود به مرور فرسوده‌تر می‌گردید. بخصوص کمبودهای مهماتی، رنج اصلی یگان‌های توپخانه خودی را تشکیل می‌داد. گرچه نیروی زمینی از اواسط جنگ به بعد تعدادی توپ‌های ۱۲۲ مم کره‌ای برای جایگزینی هویتزرهای ۱۰۵ مم و همچنین توپ‌های ۱۳۰ مم از چین و ۱۵۵ مم N۴۵ از اطیش خریداری نمود، ولی هیچ‌گاه کمیت یگان‌ها و آتش توپخانه ایران با کمیت آتش توپخانه عراق برابری نکرد.

در دو سال آخر جنگ، ارتش عراق حداقل دارای ۱۹۳ گردان توپخانه شده بود که هر توپ از گردان‌های ۱۳۰ مم روزانه دارای ۱۲۰ تا ۱۸۰ گلوله سهمیه بودند. در حالی که این سهمیه برای هر توپ مشابه ایران حداکثر ۱۲ گلوله بود.

اگرچه توپخانه نیروی زمینی ارتش ایران، به هر حال آتش‌های آفندی و پدافندی مورد نیاز را با تمرکز توپخانه‌ها در مناطق اصلی و حیاتی نبرد فراهم می‌ساخت، اما شدت و حجم آتش توپخانه عراق که همواره مناطق وسیعی را می‌پوشاند و همچنین استفاده از رادارهای هدف‌یاب رازیت برای اجرای سریع آتش ضد آتشبار و همراهی آتش هوایی و تانک‌ها و کاربرد موشک‌های دور برد زمین به زمین اسکاد و موشک فرانسوی برد متوسط

میلاند، از جمله برتری‌های توپخانه ارتش عراق بر توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بشمار می‌آمد. از طرفی آتش توپخانه عراق هم هرگز از سوی توپخانه صحرایی نیروی زمینی ارتش بدون پاسخ نماند. فداکاری و ایثار کارکنان خدمه قبضه‌ها، شهادت طلبی دیده‌بانان و دانش و مهارت فرماندهان، افسران و طراحان توپخانه، امکان کاربرد به موقع، به جا و مؤثر را با همه محدودیت‌ها، در یگان‌های توپخانه فراهم کرده بود که دقت تیر را افزایش می‌داد (یعنی کمبودها باعث شده بود، دقت تیر را جایگزین حجم آتش نمائیم) و اسرای دشمن به قدرت و دقت آتش توپخانه ایران اذعان داشتند که به نوشته‌های آنها و خاطرات سرلشکر عراقی وفیق‌السامرائی در کتاب ویرانه‌های دروازه‌های شرقی قبلا اشاره کرده‌ایم.

بخش یازدهم

نگاهی به آینده رسته توپخانه

با استفاده از تجارب جنگ تحمیلی و نبردهای نوین می‌توان به نکات زیرین به عنوان یک نظریه توجه نمود:

۱. آتش دقیق، حجیم و سریع، از محورهای عمده پیروزی در نبردهای نوین اعم از همتراز و ناهمتراز است

۲. برد توپخانه‌ها باید افزایش یابد (از هرچه دورتر با دشمن درگیر شود). نیروی زمینی باید به موشک‌های زمین به زمین میان برد و برد بلند مجهز شود.

۳. در یک نبرد ناهمتراز کاربرد انفرادی جنگ افزارهای توپخانه از نظر تاکتیکی و تکنیکی باید مورد توجه قرار گیرند

۴. قدرت آتش توپخانه‌ای نیروی زمینی افزایش یابد.

۵. آموزش‌های نیروی انسانی، اعم از سرباز، درجه دار و افسران بسیار جدی گرفته شوند.

۶. برای تمرین تیراندازی ها از شبیه‌سازهای توپخانه استفاده شود. تیراندازی با گلوله‌های واقعی در آموزش‌ها مقرون به صرفه نیست.

۷. جنگ افزارهای توپخانه چند لوله‌ای باید مورد توجه قرار گیرد.
۸. مجهز نمودن جنگ‌افزارهای توپخانه به سیستم‌های هدایت آتش رایانه‌ای و خودکار.
۹. تشکیل آتشبارهای هدف یاب مجهز به رادار جهت یافتن سریع محل توپخانه دشمن و فراهم نمودن امکان اجرای ضدآتش سریع و به موقع.

سخن آخر

رسته توپخانه در طول روزهای بحرانی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ برای برقراری امنیت در شورش‌های مسلحانه داخلی و چه در مواجهه با تهاجم نظامی عراق، علی‌رغم مشکلات، به نحو بسیار درخشانی مأموریت‌های خود را انجام داد که مانند یک گوهر درخشان اما زیر خاکستر، مانده است. باید تلاش شود تا نقش مؤثر و بی بدیل رسته توپخانه و اعتبار و جایگاه خاص آن بازخوانی و هرچه بهتر ظاهر گردد.

توپخانه نیروی زمینی، در طول سال‌های جنگ حدود ۵۰ میلیون گلوله تیراندازی کرده و بر مبنای آمارهای مدیریت ایثارگران نیروی زمینی تلفات رزمی توپخانه از کارکنان پایور ۴۱۵ نفر و کارکنان وظیفه ۱۰۳۵ نفر شهید و صدها جانباز می‌باشد.

پیوست‌ها

(بکلی سری)

پیوست ت (طرح پشتیبانی آتش) به طرح عملیاتی کربلا ۲
(عملیات فتح‌المبین)*

مدرک: نقشه ۱:۵۰,۰۰۰ منطقه عمومی دزفول، شامل
برگ‌های سرخه نادری، دچه، عین‌خوش، شوش، چنانه،
یبیس، چهیلا، جزابه.

۱- وضعیت

الف: نیروهای دشمن

پیوست الف (اطلاعات) طرح عملیاتی کربلا ۲ مراجعه
شود.

ب: نیروهای خودی

(۱) نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران
مأموریت دارد نیروهای متجاوز را در سرزمین‌های اشغالی
منهدم و خط مرز را تأمین و آماده می‌شود، بنابستور تک
را به سمت باختر ادامه دهد.

(۲) قرارگاه مقدم نزااجا در غرب ضمن پدافند با اجرای
عملیات آفندی محدود دشمن را درگیر و از دخالت
نیروهای دشمن در منطقه جنوب جلوگیری می‌نماید و
سپس آماده می‌شود با اجرای عملیات آفندی گسترده خط
مرز را تأمین و بنابستور به سمت باختر پیش‌روی نماید.

* به صفحه ۷۶ مراجعه شود

(۳) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پوشش هوایی منطقه عملیات کربلا ۲ را برقرار و عملیات یگان‌های تحت کنترل فرماندهی عملیات کربلا ۲ را روزانه حداقل با ۱۴ سورتی و حداکثر با ۲۰ سورتی پشتیبانی نزدیک می‌نماید.

پ: زیر امر و جدا شده: پیوست الف (لیست عده‌ها) طرح عملیاتی کربلا ۲

۲- مأموریت:

گروه ۳۳ توپخانه و سایر یگان‌ها و عناصر آتش پشتیبانی، عملیات فرماندهی کربلا ۲ را به منظور تصرف و تأمین عین خوش، تپه علی‌گره زد، ارتفاعات ابوصلیبی‌خات، تنگ رقابیه، تپه‌های غرب چنانه با اجرای آتش‌های توپخانه، پشتیبانی نزدیک هوایی و آتش هلی‌کوپترهای تک پشتیبانی می‌نماید.

۳- اجرا:

الف- تدبیر عملیات

پیوست ب (کالک عملیات) به طرح عملیاتی کربلا ۲ مراجعه شود.

(۱) مانور:

فرماندهی عملیات کربلا ۲ با قرارگاه‌های قدس، نصر، فجر و فتح با استفاده از تاریکی شب تک نموده، هدف‌های

استقلال، توفیق، آزادی، پیروز، ظفر، تنگ رقابیه، خط سبز و هدف فتح را تأمین و در امتداد خط سرخ پدافند می‌نماید. قرارگاه قدس در شمال، ابتدا هدف استقلال و معبر ابوغریب را تأمین و از ورود دشمن از سمت جنوب شرقی به منطقه دشت عباس جلوگیری نموده و سپس در امتداد خط سرخ پدافند می‌نماید.

قرارگاه نصر در شمال شرقی، ابتدا هدف‌های توفیق و آزادی را تأمین سپس با ادامه تک مقاومت‌های باقیمانده دشمن را در منطقه منهدم و در امتداد خط سرخ پدافند می‌نماید.

قرارگاه فجر در مشرق، ابتدا هدف پیروز را تأمین و سپس با ادامه تک هدف ظفر را تصرف و احتیاط فرماندهی عملیات کربلا ۲ را تشکیل می‌دهد.

قرارگاه فتح: در جنوب شرقی، ابتدا تنگ رقابیه و خط سبز را تأمین و سپس با ادامه تک هدف فتح را تصرف و در امتداد خط سرخ پدافند می‌نماید.

تیپ ۳۷ زرهی احتیاط فرماندهی عملیات کربلا ۲ را در منطقه جنوب تشکیل می‌دهد.

(۲) آتش:

آتش تهیه به مدت ۲۰ دقیقه طرح‌ریزی و در صورت کشف تک بناب‌دستور در منطقه مورد درخواست اجراء می‌گردد.

ب- پشتیبانی نزدیک هوایی

- (۱) تقدم پشتیبانی نزدیک هوایی به ترتیب به قرارگاه فتح، قرارگاه قدس، قرارگاه فجر و قرارگاه نصر خواهد بود.
- (۲) ضمیمه ۱ (آتش پشتیبانی هوایی)

پ- پشتیبانی توپخانه

(۱) توپخانه صحرائی:

- (الف) کلیات: تقدم آتش توپخانه به ترتیب با قرارگاه فجر، قرارگاه فتح، قرارگاه قدس و قرارگاه نصر خواهد بود.
- (ب) سازمان برای رزم
- «۱» گروه ۳۳ توپخانه:

«الف» آتشبار یکم گردان ۳۷۶ توپخانه کاتیوشا ۱۲۲ م تقویت آتش توپخانه قرارگاه نصر بنا بدستور عمل کلی.

«ب» گردان ۳۴۳ توپخانه ۱۳۰ م تقویت آتش توپخانه قرارگاه فجر بنا بدستور عمل کلی تقویت آتش توپخانه قرارگاه فتح.

«پ» آتشبار دوم گردان ۳۷۶ توپخانه کاتیوشا ۱۲۲ م تقویت آتش توپخانه قرارگاه فجر، بنابدستور عمل کلی تقویت آتش توپخانه قرارگاه فتح.

«ت» گردان ۳۰۵ توپخانه ۱۳۰ م تقویت آتش توپخانه قرارگاه فتح.

«ث» آتشبار دوم گردان ۳۷۲ توپخانه کاتیوشا ۱۲۲ م تقویت آتش توپخانه قرارگاه فتح.

- «ج» گردان ۳۴۲ توپخانه ۱۳۰ م عمل کلی.
- «چ» آتشبار توپخانه ۱۷۵ م از گردان ۳۸۷ توپخانه عمل کلی.
- «ح» آتشبار توپخانه ۱۷۵ م از گردان ۳۸۸ توپخانه عمل کلی.
- «۲» آتشبار مستقل ۳۶۳ توپخانه ۱۳۰ م در کنترل عملیاتی قرارگاه قدس.
- «۳» آتشبار یکم گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰ م در کنترل عملیاتی قرارگاه قدس.
- «۴» آتشبار یکم گردان ۳۷۲ توپخانه کاتیوشا ۱۲۲ م در کنترل عملیاتی قرارگاه قدس.
- «۵» آتشبار ۲۰۳ م از گروه ۱۱ مراغه در کنترل عملیاتی قرارگاه قدس.
- (پ) متفرقه:
- «۱» قرارگاه گروه ۳۳ توپخانه در نقش قرارگاه توپخانه فرماندهی عملیات کربلا ۲ انجام وظیفه نموده و مسئولیت طرح‌ریزی آتش کلیه یگان‌های توپخانه گروه را با مأموریت (عمل کلی) و (عمل کلی تقویت) فرماندهی عملیات کربلا ۲ به عهده دارد.
- «۲» ضمیمه ۲ (آتش پشتیبانی توپخانه صحرائی)
- (۲) توپخانه پدافند هوایی: تقدم حفاظت به ترتیب به یگان‌های مانوری در خط و توپخانه‌ها داده شود.

ت - پشتیبانی هوانیروز

(۱) کلیات: گروه رزمی پشتیبانی مستقیم شماره ۳ و گروه رزمی پشتیبانی مستقیم شماره ۲ و گروه رزمی پشتیبانی عمومی عملیات آفندی فرماندهی کربلا ۲ را پشتیبانی می نماید.

(۲) سازمان برای رزم

«الف» گروه رزمی پشتیبانی مستقیم شماره ۳

۸ فروند هلی کوپتر کبرا

۱۲ فروند هلی کوپتر ۲۱۴

۴ فروند هلی کوپتر ۲۰۶

۸ فروند هلی کوپتر شنوک

در پشتیبانی عمومی و فرماندهی عملیات کربلا ۲ تقدم کاربرد به ترتیب با قرارگاه قدس و قرارگاه نصر و قرارگاه فجر می باشد.

«ب» گروه رزمی پشتیبانی مستقیم شماره ۲

۱۲ فروند هلی کوپتر کبرا

۱۲ فروند هلی کوپتر ۲۱۴

۴ فروند هلی کوپتر ۲۰۶

۴ فروند هلی کوپتر شنوک

در پشتیبانی عمومی فرماندهی عملیات کربلا ۲ تقدم کاربرد با قرارگاه فتح

«پ» گروه پشتیبانی عمومی هوا نیروز

۴ فروند هلی کوپتر کبرا

۴ فروند هلی کوپتر ۲۱۴

۴ فروند هلی کوپتر شنوک

۲ فروند هلی کوپتر ۲۰۶

(۳) متفرقه:

«الف» از امکانات هلی‌کوپترها به استثنای حمل مجروحین و مواقع اضطراری که با هلی‌کوپتر ۲۱۴ انجام خواهد گرفت در سایر موارد فقط در روشنایی روز استفاده می‌شود.

«ب» پیوست ث (هوا نیروز) به طرح عملیاتی کربلا ۲ را ببینید.

ث - دستورات هماهنگی

(۱) گروه ۳۳ توپخانه ضمیمه ۲ (آتش پشتیبانی توپخانه) را حداکثر ۵ روز پس از دریافت این طرح به قرارگاه فرماندهی عملیات کربلا ۲ ارسال دارید.

(۲) تاکتیک عملیات ضد آتشبار

(الف) تا قبل از شروع تک، مشی عملیاتی عملیات ضد آتشبار نیم‌فعال اعلام می‌گردد.

(ب) از لحظه کشف تک، مشی عملیاتی ضد آتشبار فعال اعلام می‌گردد.

(پ) گروه ۳۳ توپخانه و توپخانه‌های کلیه لشکرها برای آماج‌های ضد آتشبار برنامه آماج تهیه و به محض کشف تک به مورد اجرا بگذارند.

(۳) پیوست پشتیبانی آتش طرح‌های عملیاتی همراه یا ضمائم مربوطه حداکثر ۵ روز پس از انتشار این طرح به قرارگاه فرماندهی عملیات کربلا ۲ ارسال گردد.

۴- خدمات پشتیبانی: پیوست چ (خدمات پشتیبانی) به طرح عملیاتی کربلا ۲.

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- عناصری از قرارگاه ۳۳ توپخانه، عنصر پشتیبانی آتش را در پاسگاه فرماندهی اصلی تشکیل می‌دهند.
ب- پاسگاه فرماندهی توپخانه لشکرها گزارش شود.

ضمیمه‌ها:

آتش پشتیبانی هوایی (بعداً ارسال می‌شود)

آتش پشتیبانی توپخانه (بعداً ارسال می‌شود)

فرمانده نذاجا سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی

گیرندگان:

گیرندگان طرح عملیاتی کربلا ۲

پیوست ث (هوانیروز) به طرح عملیاتی کربلا ۲

مدارک نقشه‌های ناوبری ۱:۲۵۰,۰۰۰ ایران قطعات
بستان، اهواز، دزفول، دهلران
پیوست چ (خدمات پشتیبانی) به طرح عملیاتی شماره ۱
ساعات رسمی به کار رفته (ساعت رسمی ایران)
سازمان رزمی: به ضمیمه ۱ مراجعه شود.

۱- وضعیت

الف- نیروهای دشمن

(۱) پیوست ب (اطلاعات) به طرح عملیاتی شماره ۱
(کالک گسترش جنگ‌افزارهای پدافند هوایی دشمن)
(۲) نیروی هوایی دشمن دارای برتری نسبی هوایی
در منطقه می‌باشد و قادر است در فرصت‌هایی که به
دست می‌آورد پروازهای پراکنده شکاری و بمب‌افکن را
به مورد اجرا بگذارد.

ب- نیروهای خودی: طرح عملیاتی شماره ۱

پ- زیر امر و جدا شده: پیوست الف (لیست عده‌ها) طرح
عملیاتی شماره ۱

۲- مأموریت

یگان‌های هوانیروز، عملیات آفندی را به منظور انهدام
نیروهای دشمن در منطقه عمومی دزفول با اجرای آتش و
ترابری عده‌ها و آماد مهمات و شناسایی هوایی و تخلیه

مجروحین و هجوم هوایی و اختصاص وسایل پرنده در تأمین منطقه عقب پشتیبانی می‌نماید.

۳- اجراء

الف- تدبیر عملیات: ضمیمه ۱ (کالک گسترش عملیات

هوانیروز)

(۱) مانور: یگان‌های هوانیروز در منطقه با گروه رزمی پشتیبانی عمومی در شمال عملیات، لشکرهای ۲۱ و ۷۷ و گروه رزمی شماره ۲ در جنوب عملیات، تیپ ۵۵ هواورد و لشکر ۹۲ را در ساعات روشنایی روز پشتیبانی و از رسیدن تقویت‌های دشمن به یگان‌های در خط ممانعت نموده و در اجرای عملیات وی اختلال ایجاد می‌نماید.

(۲) آتش: ۶۰ درصد از مهمات کنترل شده موجود به منطقه گروه رزمی پشتیبانی عمومی اختصاص داده شود.

ب- گروه رزمی پشتیبانی عمومی

(۱) تقدم آتش‌ها: در مرحله ۱ با لشکر ۲۱ پیاده و در مرحله ۲ تقدم با تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی.

(۲) به محض استقرار در منطقه شناسایی زمینی و هوایی مناطق عملیات و مسیرهای پروازی و نقاط کنترلی را با هماهنگی با یگان‌های مستقر در منطقه آغاز نماید.

(۳) آماده باشید بنا به دستور ۲ فروند هلی‌کوپتر ۲۱۴ جهت تخلیه مجروحین اضطراری در اختیار بگذارید و با یک پیش آگهی دو ساعته ده فروند

هلی‌کوپتر ۲۱۴ و چهار فروند هلی‌کوپتر شنوک جهت جابجایی پرسنل و تجهیزات و تیم‌های عملیات مخصوص در اختیار قرار دهید.

(۴) همواره چهار فروند هلی‌کوپتر ۲۱۴ و دو فروند هلی‌کوپتر شنوک آماده باشند تا بنا به دستور مهمات ویژه و آماد اضطراری را به منطقه مورد لزوم حمل نمایند.

پ- گروه رزمی پشتیبانی مستقیم شماره ۲

(۱) تقدم آتش‌ها در مرحله یکم عملیات در منطقه تیپ ۵۵ هوارد و مرحله دوم عملیات با لشکر ۹۲ زرهی می‌باشد.

(۲) به محض استقرار در منطقه، شناسایی‌های زمینی و هوایی مناطق عملیات و مسیرهای پروازی و نقاط کنترلی را با هماهنگی یگان‌های مستقر در منطقه آغاز نماید.

(۳) آماده باشید تا بنا به دستور به تعداد لازم هلی‌کوپتر ۲۱۴ جهت تخلیه مجروحین اضطراری و با یک پیش‌آگهی دو ساعته ده فروند هلی‌کوپتر ۲۱۴ برای جابجایی پرسنل و تجهیزات و تیم‌های عملیات ویژه در اختیار بگذارید.

(۴) همواره چهار فروند هلی کوپتر ۲۱۴ و دو فروند هلی کوپتر شنوک آماده باشد تا بنا به دستور مهمات ویژه و آماد اضطراری را به مناطق مورد لزوم حمل نماید.

ت- گردان هواپیمایی پشتیبانی فرماندهی

(۱) آماده باشید تا به منظور ترابری فرماندهی یک فروند هواپیمای تی سی در اختیار قرار دهید.

(۲) یک فروند هواپیمای اف-۲۷ به منظور جابجایی آماد و نفرات مورد نیاز گروه‌های هوانیروز اصفهان مستقر نمایید.

ث- گروهان عملیات مخابرات هوانیروز

(۱) در هر یک از قرارگاه‌های عمده نزاجا در جنوب یک پست بی سیم متحرک مستقر سازید و ارتباط پست فرماندهی را با هریک از گروه‌های هوانیروز و افسران رابط لشکرها برقرار سازید.

(۲) برای هر یک از این سه محل ایستگاه یدکی پیش‌بینی نمایید.

(۳) پروازهای بین قسمت‌ها را تا حصول به مقصد تعقیب نمایید.

ج- احتیاط: گروه رزمی پشتیبانی مستقیم شماره ۳.

آماده باشید تا گروه مستقر در ماهشهر را به استثنای عناصر لازم برای طرح اژدر ۲ به مسجد سلیمان جابجا و در اختیار هوانیروز قرار دهید.

چ- دستورات هماهنگی

- (۱) ضمیمه ۲ (روش اجرای عملیات مذکور عملیات هوانیروز منطقه)
- (۲) ضمیمه ۳ (مستخرجه‌ای از مقررات پرواز هواپیمایی نزا‌جا)

۴- خدمات پشتیبانی

- الف- پیوست لجستیکی هوانیروز
- ب- نقاط احتمالی (FARRP) تجدید سوخت و مهمات‌گیری جلو در منطقه مسئولیت مربوطه شناسایی و مستقر گردد
- پ- نقاط سوار و پیاده کردن در منطقه مسئولیت مربوطه با هماهنگی یگان پشتیبانی شونده شناسایی و در مورد آماده کردن آن‌ها اقدام گردد.
- ت- با هماهنگی با یگان‌های عمل‌کننده محل فرود بالگردها جهت تخلیه مجروحین شناسایی انتخاب و آماده گردد.
- ث- هر یک از گروه‌های رزمی شماره ۲ و پشتیبانی عمومی ۳ دستگاه تانکر سوخت اضافی برای مدت عملیات به دزفول و اهواز اعزام دارند.

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات به ضمیمه ۴ (مخابرات و الکترونیک) و دستور کار مخابرات قرارگاه مقدم نذا در جنوب.

ب- فرماندهی:

(۱) گروه رزمی پشتیبانی مستقیم شماره ۲ اهواز
فرودگاه زیتون تلفن ...

(۲) گروه رزمی پشتیبانی عمومی دزفول پایگاه
شکاری تلفن ...

(۳) گروهان عملیات مخابرات.

ضمیمه‌ها:

(۱) سازمان رزمی

(۲) کالک گسترش و عملیات هوانیروز

(۳) روش جاری عملیات مرکز عملیات هوانیروز منطقه
(بعداً فرستاده می‌شود)

(۴) مستخرجه از مقررات پرواز هواپیمایی نذا (بعداً
فرستاده می‌شود)

(۵) مخابرات الکترونیک (بعداً فرستاده می‌شود)

فرمانده نذا سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی

گیرندگان:

گیرندگان طرح عملیاتی شماره ۱ کربلا ۲

ضمیمه ۱ (سازمان رزمی) به پیوست ث (هوانیروز) طرح عملیاتی شماره ۱ کربلا ۲

سازمان رزمی

- گروه رزمی پشتیبانی مستقیم شماره ۲ هوانیروز:

۸ فروند هلی کوپتر کبرا

۱۲ فروند هلی کوپتر ۲۱۴

۴ فروند هلی کوپتر ۲۰۶

- گروه رزمی پشتیبانی عمومی هوانیروز:

۸ فروند هلی کوپتر کبرا

۱۲ فروند هلی کوپتر ۲۱۴

۴ فروند هلی کوپتر ۲۰۶

۸ فروند هلی کوپتر شنوک

- گردان هواپیمایی فرماندهی:

یک فروند هواپیمای ۲۷-اف

یک فروند هواپیمای تی-سی

یک فروند هواپیمای سسنا ۱۸۵

- گروهان عملیات مخابرات هوانیروز:

۶ دستگاه خودرو با خدمه و بی سیم‌چی

فرمانده نزا جا سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی

منابع و مأخذ بخش سوم تا پایان

۱- سرهنگ اسدی، هیبت‌ا...؛ ارتش در فاو، چاپ ایران سبز، ۱۳۸۷.

۲- سرلشکر السامرائی، وفیق؛ کتاب ویرانه‌های دروازه‌های شرقی، چاپ مرکز اسناد دفاع مقدس ۱۳۸۱

۳- طرح‌ریزی آتش توپخانه، مدرک آموزش مرکز توپخانه و موشک‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

۴- سرتیپ ۲ بختیاری، مسعود؛ مطالعات و دانسته‌های تخصصی مؤلف درباره رسته توپخانه در جنگ

تصاویر



توپ ۱۳۰ مم در حال اجرای آتش



توپ پدافند هوایی اورلیکن



هویتزر ۲۰۳ مم در موضع آتش



هویتزر ۱۵۵ مم خ.ک

تصاویر / ۱۰۷



توپ ۲۳ مم پ.هـ



هویتزر ۱۰۵ مم ک

۱۰۸ / توپخانه در دفاع مقدس



توپ ۱۳۰ مم ک



هویتزر ۱۵۵ مم ک

تصاویر / ۱۰۹



توپ ۱۷۵ مم خ.ک



هویتزر ۲۰۳ مم ک

۱۱۰ / توپخانه در دفاع مقدس



شلیکا ۲۳ مم پ.هـ



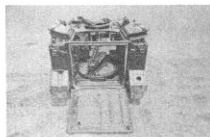
موشک انداز ۱۲۲ مم (کاتیوشا)



M113A1 Armored Personnel Carrier



M577A1 Armored Command Post



M125A1 Self-Propelled Mortar



M106A1 Self-Propelled Mortar



Filter's Vehicle



XM806E1 Recovery Vehicle



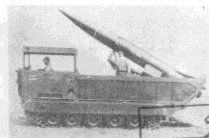
M741 Vulcan Weapon Carrier



Command and Reconnaissance (C&R)



M548 Cargo Carrier



M667 Lance Missile Carrier

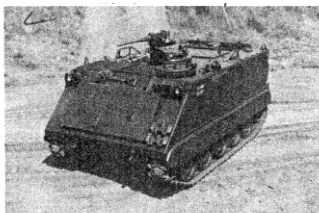


M727 Hawk Missile Carrier

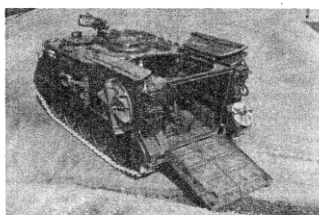


M730 Chaparral Missile Carrier

تجهیزات خودکشی زرهی / توپخانه که برنامه ساخت
آن‌ها در بندر چابهار تهیه شده بود



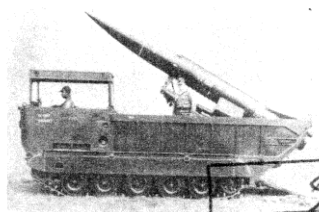
M113A1 Armored Personnel Carrier



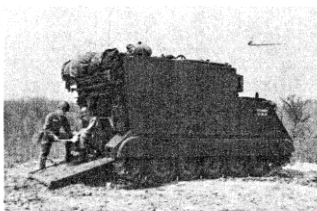
M106A1 Self-Propelled Mortar



M741 Vulcan Weapon Carrier



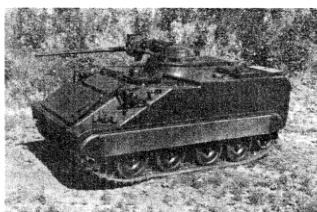
M667 Lance Missile Carrier



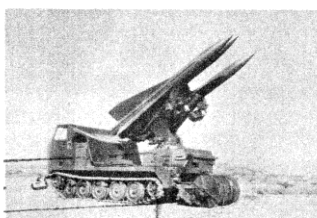
M577A1 Armored Command Post



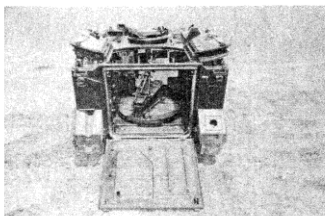
Fitter's Vehicle



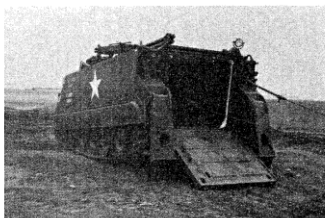
Command and Reconnaissance (C&R)



M727 Hawk Missile Carrier



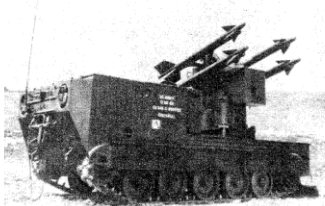
M125A1 Self-Propelled Mortar



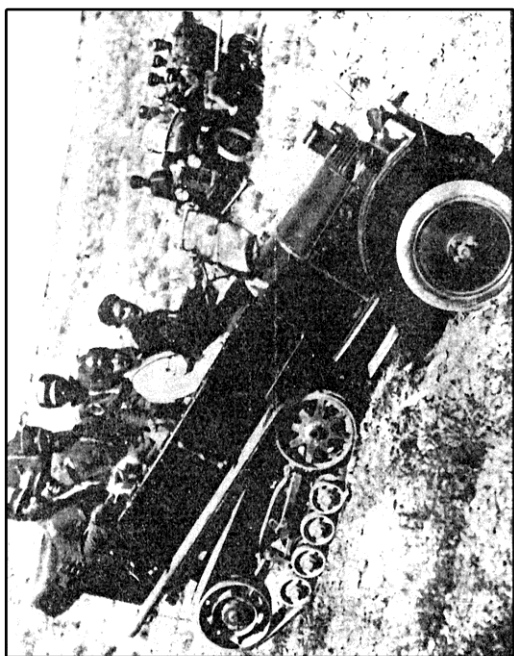
XM806E1 Recovery Vehicle



M548 Cargo Carrier

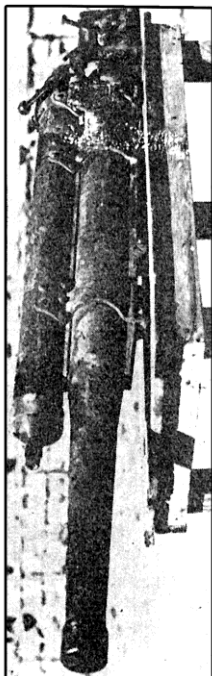


M730 Chaparral Missile Carrier

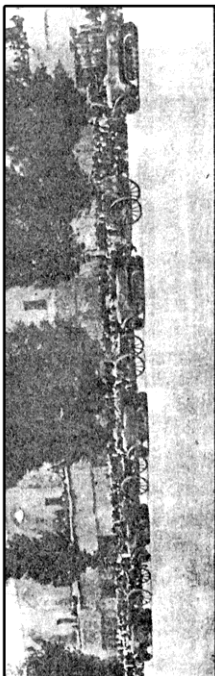


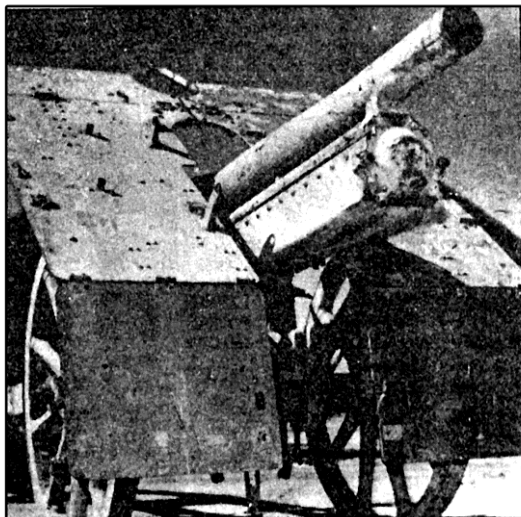
یکی از اولین خودروهای شنی دار بکار گرفته شده
در نیروی زمینی ارتش ایران به سال ۱۳۰۴ ش

توپ زره پوش هایمارمن

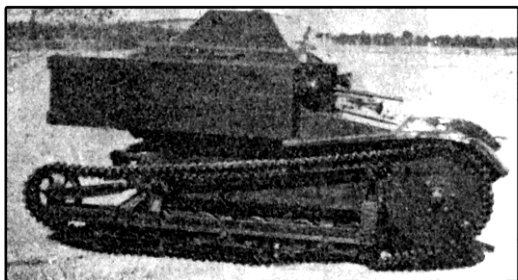


اتومبیلهای شنی دار حامل توپهای صحرایی که در سال ۱۳۰۵ ش وارد ارتش ایران شد.

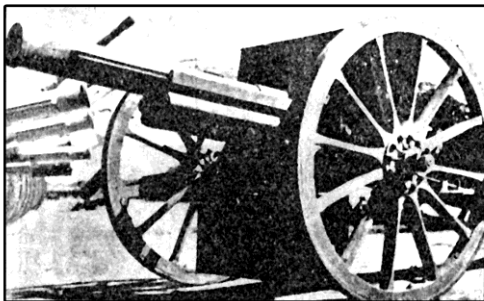




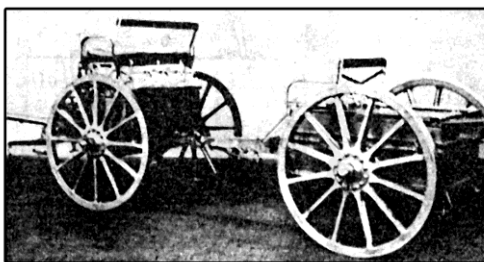
توپ ۷۵ کوهستانی یوفورس - هم اکنون ۴ نمونه از آن
جلوی درب پادگان کرکان به نمایش گذاشته شده اند.



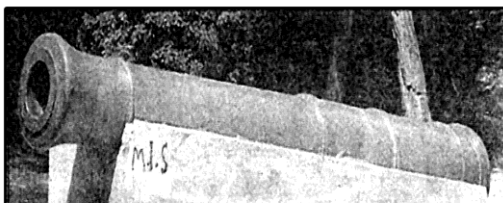
ارابه روسی



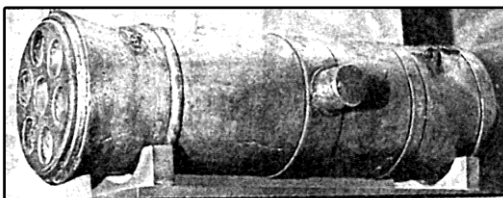
توپ شنیدار فرانسوی (۱۲۹۹ ش)



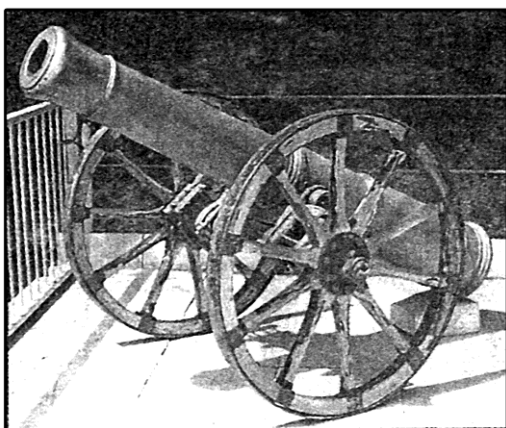
پس قطار و پیش قطار (صندوق آهنی) توپ ۱۰۵ اشکودا



توپ قلعه کوب - طول ۲/۲۰ متر ، جنس برنج ، ساخت کارخانه مبارکه دارالخلافه تهران خاصه ابواب جمعی، عمل استاد نیریزی ، روی توپ جمله نصر من الله و فتح قریب حک گردیده است. (موزه نظامی تهران)



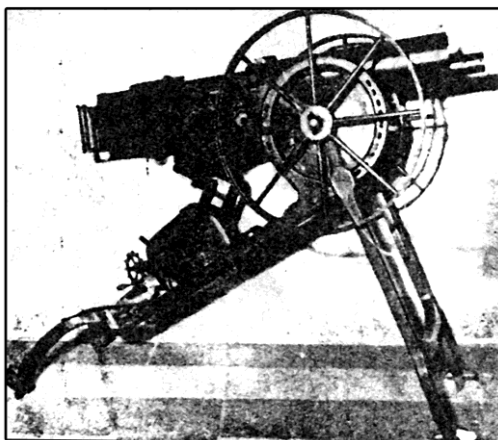
توپ سر پر ساخت جبه خانه مبارکه ایران ، جنس برنج ، طول ۱/۵ متر، وزن نیم تن ، مثل بقیه توپهای آن عصر از وسط به وسیله دو شافت(محور) بر دو چرخ سوار و بوسیله چهار پا کشیده می شد . سال ساخت ۱۲۳۶ هـ (۱۱۹۹ ش ۱۸۲۱ م) برای آماده کردن جهت آتش نخست باروت می ریختند و پس از سمیه زدن گلوله می گذاشتند . (موزه نظامی تهران)



توپ برنجی ساخت جبه خانه مبارکه دار الخلافه تهران در زمان
محمد شاه قاجار (۱۲۶۰ هـ) وزن گلوله ۸۸ کیلو گرم، وزن باروت
برای هر شلیک و آتش حدود ۳۰۰ گرم . (موزه نظامی تهران)



مسلسل سنگین کالیبر ۷/۹ - ۱۳۱۰ شمسی



مسلسل سنگین ماکزیم کالیبر ۷/۶ - ۱۲۹۹ ش



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

***Toopkhaneh Dar Defa`e
Moghadas***

***Brigadier General Naser
Arasteh***

***Brigadier General Masood
Bakhtiari***

**War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant General Ali Sayyad
Shirazi**